

# انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

گزارش برگزاری

دومین همایش «گفتگوهای فرهنگی افغانستان و ایران»

«با محوریت مهاجرت»

۸ قوس / آذر ۱۳۹۶ - کابل



[www.aiss.af](http://www.aiss.af)

AISS-AIC-02-2017

## فهرست مطالب

۳	..... درباره انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
۹	..... جلسه اول: رابطه ایران و افغانستان: از همزبانی تا همدلی
۱۳	..... جلسه دوم: افغان‌ها؛ دیدگاه‌ها
۱۹	..... جلسه سوم: مهاجرت تراژدی انسانی؛ فرصت‌ها
۲۵	..... جلسه چهارم: چالش‌ها؛ نگاهی به آینده
۳۰	..... جمع بندی: سخنرانی پایانی رئیس انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
۳۱	..... ضمایم
۳۱	..... ضمیمه ۱ برنامه کاری:
۳۲	..... ضمیمه ۲ لیست شرکت‌کنندگان:
۳۳	..... ضمیمه ۳ بازتاب خبری همایش در رسانه های ملی و بین المللی:
۳۴	..... ضمیمه ۴ لوگو و تصاویر همایش:

## درباره انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

### ماموریت:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) در اکتبر سال ۲۰۱۰ تاسیس شد و از آن زمان به یک نهاد تحقیقاتی برجسته در افغانستان تبدیل شده است. هدف اش ایجاد یک فضای روشنفکری برای بررسی مسایل مهم افغانستان در محیط بزرگتر منطقه ای و بین المللی است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در پی راه اندازی بحث های به موقع پیرامون افغانستان است و این کار را با چاپ گزارش های تحقیقاتی با کیفیت و تشویق گفتگو در میان طیف وسیع گروه های ذی علاقه انجام میدهد. تمام فعالیت ها و برنامه های ما مبتنی بر اصول حرفه ای، استقلال و ارزش های معتبر متری و بین المللی است.

### اهداف:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد تحقیقاتی غیر انتفاعی است که تهیه گزارش های تحقیقاتی با کیفیت، بی طرف و پالیسی محور، ترجمه و چاپ کتابهای خوب، آموزش حرفه ای و فعالیت های حمایتی برای برنامه های افغانستان محور را مد نظر خود قرار داده است. یکی از اولویت های این نهاد، تقویت جوانان از طریق ابتکارات برنامه ریزی شده است، چنانکه جوانان آینده کشور را رقم می زنند.

### وسایل و فعالیت ها:

- در راستای تلاش های جاری برای تحکیم دستاوردهای شکننده افغانستان و تحقق یافتن منافع فراوان بشری و طبیعی این کشور، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از یک سری تدابیر و وسایل استفاده می کند:
- انجام دادن تحقیقات مستقل
- توافقات همکاری با موسسات تحقیقاتی همسو
- چاپ ( کتاب ها و مجلات)
- ترجمه کتاب ها/ مقالات از انگلیسی به فارسی/ پشتو و بالعکس
- برگزاری نمودن همایش ها، سمینارها، کارگاه ها ( در سطح محلی، ملی و بین المللی) و جلسات
- برگزاری برنامه های آموزشی در امور اجرایی و رهبری
- تاسیس برنامه اهدای جایزه سالانه برای جوانان برجسته افغانستان و شخصیت های مهم بین المللی
- ادغام شبکه های اجتماعی و رسانه های نو در تمام فعالیت های خود

### ساحات تحقیق:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان پیرامون طیفی گسترده از مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کار پژوهشی انجام می دهد. در حال حاضر تحقیقات ما در برگیرنده این ساحات می باشد: روند دیموکراتیک دولت سازی، امنیت ملی، انکشاف پایدار اقتصادی، همکاری ها و ادغام منطقه ای، همکاری استراتژیک افغانستان – ایالات متحده امریکا/ غرب، احیای اندیشه اسلامی، و تجلیل از خراسان ( ملی/ ادغام فرهنگی - منطقه ای/ باز تولید).

## گروه مشاورین:

داکتر رنگین دادفر اسپنتا، رئیس گروه مشاورین (افغانستان)

داکتر بارنت ار. روبین (ایالات متحده امریکا)

داکتر دیوید سموئل سیدنی (ایالات متحده امریکا)

داکتر سیما ثمر (افغانستان)

پروفیسر شهربانو تاجبخش (فرانسه)

داکتر رادها کومار (هند)

سفیر کای آیده (ناروی)

پروفیسر ونگ جیسی (چین)

احمد نادر نادری (افغانستان)

## آدرس دفتر:

انسٹیټوت مطالعات استراتژیک افغانستان، قلعه نه برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۴۰۱۶۱

وبسایت: [www.aiss.af](http://www.aiss.af)

## دومین دور «گفتگوهای فرهنگی افغانستان و ایران»

### با محوریت «مهاجرت»

۸ قوس / آذر ۱۳۹۶

دومین همایش "گفتگوهای فرهنگی افغانستان و ایران" با محوریت مسئله "مهاجرت" در هوتل اینتر کانتینیتال کابل به تاریخ ۸ قوس / آذر برگزار شد. در این دور گفتگوها نماینده گانی از دو کشور به شمول نهادهای برگزار کننده همایش، کارشناسان، محققین، دیپلمات ها و فرهنگیان اشتراک کرده بودند. دور قبلی این همایش سال گذشته در تهران برگزار شد. دانشگاه علامه طباطبایی و انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان نهادهای میزبان این همایش می باشند.

برنامه با خوانش مناجاتی از مولوی بلخی و بخش سرودهای ملی دو کشور رسماً آغاز شد. سپس داکتر داوود مرادیان رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان سخنرانی افتتاحیه همایش را ایراد کرد. او در آغاز سخنرانی اش با اشاره به مصیبت اخیراً وارد شده در اثر زلزله مرگبار در کرمانشاه ایران، به اشتراک کننده گان ایرانی و مردم آن کشور تسلیت گفت و سپس به خوشامدگویی و معرفی برنامه پرداخت. داکتر مرادیان با استناد به شاهنامه فردوسی از قدمت شهر کابل یادآوری نمود. " دو کشور جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی ایران دارای اشتراکات وسیع در تمام حوزه ها می باشند. اگر ما به ساختارهای رابطه میان دو کشور نگاه کنیم، خوشبختانه بسیار قوی و مستحکم است؛ در مقایسه با سایر همسایه گان که ما با هم مشکلات ساختاری داریم، خوشبختانه ساختارها میان دو دولت افغانستان و ایران قوی و مستحکم است. خوشبختانه ما هیچ مشکل مرزی با هم نداریم. نظام های دولتی دو کشور تهدید علیه هم نیستند و از ثبات و رفاه یکدیگر حمایت می کنند." ایشان به برخی موضوعات که در روابط دو کشور سایه انداخته است، اشاره نموده، تاکید کرد که این مسایل در روابط متقابل اجتناب ناپذیر است. آن موضوعات و مسایل عبارت اند از:

- ۱- بین تصویری که ما از یکدیگر داریم و واقعیت موجود در دو کشور تفاوت هاست؛ در این رابطه انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و دانشگاه علامه یک نظرسنجی را برای بررسی نظرنخبه گان افغان در مورد ایران انجام داده اند که به زودی منتشر می گردد. قسمت دوم این نظرسنجی در ایران برای بررسی نظر نخبه گان ایرانی در مورد افغانستان انجام خواهد شد.
- ۲- مواد مخدر از جمله چالش های مهم در هر دو کشور می باشد؛ این مسئله چالش جدی سیاسی- اجتماعی برای هر دو کشور بوجود آورده است.
- ۳- مسئله دیگر مهاجرت است؛ تقریباً چهاردهه است که تقریباً نیمی از مردم افغانستان به گونه ای در ایران مهاجر بوده اند. بسیاری از ما در افغانستان فراموش می کنیم که ایران در شرایطی آغوش خود را به روی مهاجرین افغان باز کرد که جنگ تحمیلی را تجربه می کرد. ایران با وجود تحریم های اقتصادی و شرایط سخت دوران جنگ تحمیلی از حدود دو میلیون مهاجر افغان پذیرایی کرد.
- ۴- بحث حضور نیروهای امریکا در افغانستان برای ایران طی حدود دو دهه اخیر یک نگرانی جدی است؛ ما فراموش نمی کنیم که ایالات متحده امریکا و ایران دو رقیب و در برخی ساحات دو دشمن ایدئولوژیک و استراتژیک می باشند. ما باید این نگرانی ایران را درک کنیم.

۵- در دو سه سال اخیر، رشد جریان افراطی داعش برای هر دو کشور نگران کننده است؛ داعش تهدید مشترک برای تمام منطقه بخصوص برای جمهوری اسلامی افغانستان و ایران می باشد. جنجال ها بر سر لشکر فاطمیون در همین زمینه اهمیت می یابد. متأسفانه در سوریه افغان ها در هر دو جبهه داعش و ضد داعش سرباز گیری شده اند. تنش های جئوپولیتیک در سطح خاورمیانه بر روابط دو کشور سایه افکنده است.

۶- در مسئله طالبان، متأسفانه اجماع منطقه ای در مورد طالبان شکست خورده است؛ دیدگاه های متفاوت و متضادی در مورد طالبان در منطقه از جمله در تهران بوجود آمده است.

داکتر مرادیان تاکید کرد که علی رغم وجود این معضلات و مسایل، خرد جمعی و اراده محکم برای جستجوی راه حل مشکلات در هر دو کشور وجود دارد. " نمونه بارز روابط خوب هر دو کشور پروژه بندر چابهار است. بندر چابهار یک فرصت خوب برای ایران، افغانستان و هند می باشد. با استفاده از بندر چابهار ما می توانیم یک روایت جدید از همکاریهای منطقه ای ایجاد کنیم."

ایشان در جمع بندی سخنان خود بر اهمیت نقش نهادهای غیر دولتی برای تحلیل و بررسی مسایل تاکید نمود. او تذکر داد که دولت مدرن نمی تواند بدون کمک نهادهای غیر دولتی - مانند نهادهای تحقیقاتی، به مشکلات موجود رسیده گی کند. " هدف ما این است که از یکسو ساختارهای قوی که در بین دو کشور وجود دارند، مستحکم تر گردند و در کنار آن برای گره های موجود در روابط دو جانب راه حل پیدا شود. ما می خواهیم به دولت های خود کمک کنیم برای گشودن گره ها."

سپس دکتر دین پرست، رئیس پژوهشکده فرهنگ پژوهی دانشگاه علامه طباطبائی سخنان مقدماتی اش را بیان نمود. " هدف ما فهم مسایل اصلی و مشترک دو کشور است که همزمان بسیار از هم دورند و بسیار به هم نزدیک اند. ما به لحاظ تاریخی بیشترین اشتراکات را داریم. اما علی رغم تمام نزدیکی هایی که داریم، دچار سوء تفاهمات و دوری ها هم هستیم. ما می خواهیم حداقل در سطح نخبه گان فکر تلاش بکنیم فاصله ها و سوء برداشت ها را کم بکنیم. با توجه به موضوع این دور گفتگوها، هدف ما این است که با از بین بردن سوء تفاهمات اولاً به بهبود وضع مهاجرین کمک بکنیم. در گام دوم امیدواریم برای نزدیکی بیشتر دو ملت کاری را انجام دهیم." او تذکر داد که در رابطه با مسئله مهاجرات، روایت های مختلف و متفاوت وجود دارد که باید مورد شناسایی قرار گیرند. " هیچ روایتی به صورت کامل داستان را روایت نمی کند. هر روایتی بخشی از واقعیت را برجسته می کند و بخشی از واقعیت را کوچک نمایی می کند." به گفته ایشان در بررسی روایت های مختلف پیرامون مهاجرت مردم افغانستان به ایران چند نکته مهم باید مورد توجه قرار گیرد که عبارت اند از:

۱- ما باید ببینیم که مهاجرین در چه شرایطی وارد ایران شدند؛ مهاجران جنگ زده افغانستان وارد کشور جنگ زده ای شدند که یکی از بدترین جنگ های پس از جنگ جهانی دوم را تجربه می کرد.

۲- مهاجران با دست خالی وارد ایران شدند و از جانب ایران تصویری که از مهاجرین افغان شکل گرفت، تصویر کسانی بود که در وضعیت اجتماعی اقتصادی ضعیف قرار داشتند. افغانستان از آن زمان تا کنون در وضع توسعه نیافته به سر می برد. تصویری که در ذهن ایرانی ها ایجاد شد این بود که فقر و جلوه های ناپسندش از ویژه گی های ذاتی افغانستان است.

۳- در ایران یک ذهنیت دو گانه ساز ارزشی پر رنگ وجود دارد؛ حقیقت این است که ما یک ذهنیت دو گانه ساز ارزشی پر رنگ داریم و بین شهری و روستایی، فقیر و ثروتمند، بین بالاشهر و پایین شهر و ... فرق می گذاریم. جالب این است که در این دو گانه سازی ارزشی کسانی قابلیت تصویر سازی دارند که از موضعیت اجتماعی- اقتصادی بهتر برخوردار می باشند و دسترسی به رسانه دارند. در داخل ایران هم وضعیت به همین گونه است.

۴- در ایران این ذهنیت بین مردم وجود دارد که دولت ایران منافع ایران را صرف کشورهای دیگر می کند؛ به شکاف تاریخی بین دولت و ملت هم باید توجه کنیم. مردم به دولت با بی اعتمادی نگاه می کنند.

۵- مهاجرین مهمترین ویژه گی هویتی خود را به حیث مهاجر دریافته و از منظر آن به جهان نگاه می کنند؛ مهاجر هر گونه برخورد با خود را در وضعیت خاص اجتماعی- سیاسی خودش تفسیر می کند. این را ما در میان برخی از اقشار جامعه ایرانی هم تجربه می کنیم. بسیاری از مناطق ایران توسعه یافته نیستند و ما شکاف جدی میان مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته داریم. خوانشی که برخی از اقوام ایرانی- مخصوصا در مناطق مرزی شرق و غرب ایران، دارند این است که ما چون از فلان قوم هستیم، دولت ما را عملا و عمدا عقب نگه داشته است. این در حالی است که هیچ سندی آنرا تأیید نمی کند.

۶- هنوز هم وضعیت افغانستان با ثبات نیست و مهاجرت به ایران از افغانستان ادامه دارد؛ هرچقدر وضعیت مهاجرین بهبود پیدا کند تقاضای مهاجرت بیشتر می شود. در مورد کاهش تقاضا چه تدبیری سنجیده شده است؟ در هر راه حلی باید به ادامه داستان هم توجه کنیم.

دکتر دین پرست در جمع بندی نکات فوق الذکر تاکید نمود که برخی برخورد های ناپسند با مهاجرین افغانستان در ایران جنبه ناسیونالیستی و نژادپرستانه ندارد. " ما با یک ناهمدلی مستمر با افراد محروم و تمایز گذاری با گروه های فرودست اجتماعی- اقتصادی مواجه هستیم. یعنی برخورد ناپسندی که در یک جا با مهاجر افغان می شود، تنها با مهاجر افغان نمی شود، بلکه با همسایه و هم نوع ایرانی او هم همان اتفاق رخ می دهد. " ما هیچ گاه تقریبا مشاهده نکردیم که گتوها یا مناطق خاص ایزوله برای مهاجران افغان شکل بگیرد. البته ممکن است در دوره ای اردوگاهی بوده که از جمله الزامات مهاجرات است. افغان ها در جامعه ایران زندگی می کنند. وقتی ما به دیگر مهاجرینی که به ایران آمده اند- مانند مهاجرین عراقی، نگاه کنیم، می بینیم که ادغام اجتماعی آنها خیلی خیلی پایین تر از مهاجرین افغانستان بوده است. وجه غالب این بوده که افغانستانی ها در کنار دیگران زنده گی کرده اند. اگر در یک جایی هم تجمع افغانستانی ها زیاد بوده است، ناشی از اقتضات اقتصادی- اجتماعی بوده است. مثلا ممکن است نیاز به نیروی کار در جایی زیاد بوده و ترکیب جمعیتی منطقه توسط مهاجرین افغانی رقم خورده است. " ایشان تاکید نمود که علی رغم مشکلات موجود، اخیرا تلاش های روشنفکری و فرهنگی برای بررسی مسئله مهاجرت بیشتر شده و می تواند به کاستن سوء تفاهم ها میان دو جانب کمک کند. او خطاب به نخبگان فرهنگی- اقتصادی افغانستان در ایران پیشنهاد ذیل را ارائه داد. " ما نباید الزاما نگاه مان به دولت ها باشد؛ باید نه تنها در سطح نخبگان غیر دولتی گفتگو کنیم، بلکه باید در این سطح اقدامات هم صورت بگیرد. مثلا ایجاد یک رستوران افغانی یا برگزاری نمایشگاه های آثار هنری یک ابتکار جالب می

تواند باشد. اصلاح تصورات موجود در مورد افغان ها توسط نخبگان فرهنگی- اقتصادی افغانستان، می تواند زمینه اقدامات اصلاحی دولت ها را هم فراهم سازد. " ۱

دکتر سید رسول موسوی مشاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در سخنرانی مقدماتی اش، تاکید کرد که مسئله مهاجرت باید به عنوان مسئله ای بین المللی و جهانی بررسی شود. " بنا به آمار UNHCR ( اداره مهاجرت سازمان ملل متحد) در حال حاضر در جهان ۶۵,۶ میلیون مهاجر ثبت شده وجود دارد. تعداد بسیار زیادی ثبت نشده اند. ۱۰ میلیون آدم بدون دولت داریم که از هیچ گونه خدمات دولتی برخوردار نیستند. آمارهای ثبت شده که حاکی است که در حال حاضر بیشترین مهاجرین از سوریه، افغانستان و سودان هستند. از بین کشورهای مهاجرپذیر، ترکیه مقام اول را دارد، پاکستان، لبنان و ایران هم در رده های بعدی قرار دارند. روزانه حدود ۲۸۳۰۰ نفر به شمار مهاجرین و پناهنده گان در سطح جهان اضافه می شود. بنا براین موضوع مهاجرت یک مسئله خاص ایران و افغانستان نیست. " ایشان در ادامه سخنرانی خود رویکرد کشورهای اروپایی در قبال مهاجرت را زیر پرسش قرار داد. " با آنکه همه اسناد از دخالت داشتن کشورهای اروپایی در بحران سوریه و لیبیا حکایت دارد، اما به محض اینکه در سال ۲۰۱۵، آمارهای رسمی از سرازیر شدن ۳۵۰ هزار نفر به طرف اروپا خبر دادند، بحث های بستن مرزها و جلوگیری از مهاجرت و ارتباط مهاجرت و تروریزم در اروپا به میان آمد. " او تذکر داد که ادبیات و پالیسی های موجود در اروپا برای تقسیم و جابه جایی مهاجرین ، با رویکردها و سابقه برخورد با مهاجرین در منطقه ما قابل مقایسه نیست. " ما در منطقه خود پدیده مهاجرت را داشتیم اما از کنار آن به نحوی گذشتیم. ولی در اروپا رقم اندکی از مهاجرین بحران ساز گردید. پدیده بیگانه ستیزی در اروپا هم اکنون رونق دارد، چنانچه روی کار آمدن راست افراطی در کشورهای اروپایی را به آمدن مهاجرین نسبت می دهند. تعریف ما از مهاجرین به مراتب انسانی تر، اسلامی تر و بهتر از تعریف هایی است که اروپایی ها - با ادعاهایی که در مورد حقوق بشر می کنند، دارند."

---

۱ او در پایان سخنرانی اش با خواندن این بیت شعر " کابل و کشمیر و شیراز و خجند و روم و چین / کاشکی احیا شود باز این جهان فارسی " لوحه یادبوی را به رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان اهدا کرد.



## جلسه اول: رابطه ایران و افغانستان: از همزبانی تا همدلی



گرداننده: دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، ایران

### سخنرانان:

- دکتر سید عسکر موسوی، نویسنده / استاد دانشگاه آکسفورد / کابل
- دکتر رز فضلی، استاد مهمان در دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر سردار محمد رحیمی، استاد دانشگاه / معین وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان
- دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

به نام جهاندار بخشنده دادگر

کزوی است پیدا به گیتی هنر

خداوند هند و خداوند چین

خداوند توران و ایران زمین

خانم تیشه یار با خواندن ابیات فوق، از دکتر سید عسکر موسوی دعوت کرد به ایراد سخنرانی کرد.

دکتر موسوی با نقل خاطره ای از تجربه خودش به عنوان مهاجر در ایران، بر اهمیت ایجاد رویکرد مثبت نسبت یکدیگر تاکید کرد. او تذکر داد که مهاجرت از افغانستان به ایران سابقه طولانی دارد و محدوده به دهه های اخیر نمی شود. نکات مهم سخنرانی ایشان عبارت اند از :

- ۱- مهاجرت پدیده بد نیست؛ تمام تغییرات و تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ناشی از همین پدیده مهاجرت است. ایالات متحده امریکا مثال برجسته یک کشور ساخته شده بدست مهاجرین است. در ایران محلات و حتی اشخاص با عناوین کابلی، قندهاری، غزنوی و هروی نامگذاری شده اند، اما متاسفانه مردم همدلی لازم را با این نام ها و ارتباط هویتی آن ندارند.

۲- مهاجرین افغان، مسبب رواج یافتن برخی بحث های فرهنگی تمدنی در ایران شده اند؛ به عنوان مثال بیدل دهلوی را مهاجرین در ایران معرفی کردند.

۳- تجربه مهاجرت از افغانستان به ایران، جنبه های مثبت بیشتر دارد؛ هم اکنون بخش زنده فعالین فرهنگی و رسانه ای را مهاجرین برگشته از ایران تشکیل می دهند.

۴- بحث دولت ها و سیاستگذاران را باید از بحث مردم جدا کرد؛ آغوش مردم ایران به روی مردم افغانستان باز بوده ، هست و خواهد بود. اما مشکلاتی در زمینه سیاستگذاری دولت ایران درباره مهاجرین افغانستان داریم که باید رسیده گی شود. برخی از مشکلات میراث باقی مانده از دولت شاهی ایران می باشد. تبعیض فرهنگی در ایران به صورت سیستماتیک وجود دارد. مثلا در برابر ترک زبان ها تبعیض منفی وجود دارد. مشکل دیگر این است که با مهاجرین حتی پس از چند نسل مثل یک خارجی برخورد صورت می گیرد.

۵- متأسفانه در افغانستان اعمال تبعیض منفی علیه مردم بسیار جدی تر از ایران است.

آقای موسوی در جمع بندی سخنانش با تاکید بر اینکه مهاجرت پدیده ای بد نیست، پیشنهاد کرد که هویت مهاجرین افغانستان به طور ساختاری در ایران تثبیت گردد؛ خوب است که به همه مهاجرین افغانی در ایران پاسپورت و سند شناسایی داده شود. کسی که هویت اش تثبیت نشده باشد، مورد انواع سوء استفاده ها قرار میگیرد.

دکتر فضلی، استاد مهمان در دانشگاه علامه طباطبائی، سخنرانی اش را برحسب تحقیق دکتری خود زیر عنوان " بررسی رویکرد امنیتی غرب نسبت به افغانستان"، انجام داد. او تذکر داد که رویکرد امنیتی غرب به جانب افغانستان ابعاد گوناگون دارد، اما میزان شناخت از افغانستان اهمیت ویژه دارد. غربی ها بنا بر تصویری که از خودشان دارند، نوعی تصویر هویتی از شرق ارائه می دهند که لزوماً با تصویر شرقی از خودش منطبق نیست. به گفته ایشان، رویکرد غرب در مقطع ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ و از ۲۰۰۱ به بعد، مشکلات جدی شناختی داشته است و آسیب های امنیتی جدی به بار آورده است.

- عدم شناخت غرب از دولت- ملت افغانستان پیش از ۲۰۰۱: از قرن هجدهم مفهوم واحدی از دولت- ملت به میان می آید که با شاخصه های سرزمین مشخص، قلمرو مشخص، جمعیت مشخص و حاکمیت مشروع به رسمیت شناخته می شود. این الگوی واحد مانع به رسمیت شناختن الگوهای متفاوت دولت داری شده است. در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ پدید دولت طالبان را تنها سه کشور پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی آنرا به رسمیت شناختند. اما متفکرین مطرح غرب حکومت طالبان را به رسمیت نشناخته و از آن به عنوان " جنبش طالبان" یادآوری می کنند. این درحالی است که معیارهای ساخت دولت طالبان متفاوت بوده است. طالبان با معیارهای خودشان در پی بازسازی دولت اسلامی با ویژه گی های معین بودند.

- تلاش غرب برای دولت سازی در افغانستان پس از ۲۰۰۱: دولت سازی در این دوره با فاصله شرق شناسانه صورت گرفته و الگوی بیرونی را بر جامعه افغانستان تحمیل نموده است. در دوره پسا طالبان، الگوی واحد برای دولت سازی در افغانستان پیگیری شد. اما یکسان انگاری معیارهای دولت سازی می تواند تبعات امنیتی منفی داشته باشد. برای سنجش میزان موفقیت این الگوی بیرونی دولت سازی می توانیم به وضعیت حال حاضر افغانستان نگاه کنیم. ادامه

حضور و فعالیت طالبان و ناامیدی مردم افغانستان از گفتگوهای صلح حاکی است که دولت سازی پس از ۲۰۰۱ موفق نبوده است.

ایشان تذکر داد که مطالعات نشان میدهد که بیشترین عامل مهاجرت مردم افغانستان در سال ۲۰۱۶ ناامنی بوده و سپس عوامل دیگر مانند عوامل اقتصادی تاثیرگذار بوده اند. ناامنی همچنان با گسترش فعالیت گروه های تروریست پیوند خورده است. دکتر فضلی برای رسیده گی به مشکلات ناشی از رویکرد نامناسب غرب به افغانستان، راه حل های ذیل را پیشنهاد کرد:

۱- پرهیز از نگاه شی انگارانه به مردم افغانستان؛ در مبارزه با تروریسم در یک کشور باید جغرافیا و ویژه گی های اجتماعی آنرا مد نظر قرار داد.

۲- عدم اتکا به نبرد هوایی به مثابه روش مبارزه؛ در نبرد هوایی، دشمن همیشه در دوردست قرار داد و به اندازه کافی موضوع عینی نیست.

۳- از بین بردن اقتصاد موارد مخدر؛ گروه های تروریستی از آن به حیث منبع تامین مالی نگاه می کنند.

۴- نگاه دوباره به منطقه و جنگ های نیابتی؛ مناسبات سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ تغییر کرده است و هم اکنون نیروهای متفاوت از راه های گوناگون وارد جنگ های نیابتی شده اند.

او در جمع بندی سخنرانی اش به رابطه میان ناامنی و شکل گیری هویت های مهاجرین اشاره کرد. "در حال حاضر شکل های متفاوت مهاجرتی در اثر جنگ هویت های اجتماعی جدید را شکل می دهد؛ مهاجرت داخلی در افغانستان، به طور ویژه مهاجرت از روستا و شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگتر، مهاجرت از افغانستان به کشورهای خارجی، مهاجرین بازگردانده شده و.. همه این نوع مهاجرت ها ما را به این نتیجه می رساند که روستاها کم کم خالی می شود. یعنی تمامی جاهایی که مبنای ایجاد هویت بومی هست در افغانستان از مردم خالی می شود. این معضل از آن جهت خطرناک می باشد که مبنای ایجاد هویت جدید جنگ است. بناء نادیده گرفتن بعد هویتی مسئله دولت- ملت، می تواند باعث بحران امنیتی شود و چرخه بحران مهاجرت و بحران هویت را باز تولید کند." سخنران سوم این نشست، آقای دکتر رحیمی، در صحبت هایش بر اهمیت همزبانی مردمان دو کشور تاکید داشت. "برخورد با زبان در هر دو کشور می تواند بر روابط و تعامل دو کشور تاثیرگذار باشد. زبان به عنوان یک عنصر فرهنگی، قبل از شکل گیری دولت-ملت در چارچوب امپراطوریها در سرزمین های مشترک رشد داشته است. اما بعد از شکل گیری دولت-ملت ها در خاورمیانه و شرق، زبان می شود بخشی از عنصر قدرت." ایشان به دو مشکل عمده در زمینه زبان میان دو کشور اشاره کرد:

- ما در هر دو کشور با پیچیده گی های گویشی و زبانی مواجه هستیم؛ در ایران نه تنها گویش ها بلکه زبان های متفاوت مانند عربی و ترکی در سیطره زبان فارسی رایج قرار دارند. این مسئله در افغانستان هم وجود دارد. از زمانی که دولت افغانستان به وجود آمده است، این مشکل وجود داشته و هنوز ما به فهم تعاملی از منظر سیاسی دست نیافته ایم.
- مشکل دیگر ناپختگی زبان سیاسی در هر دو کشور است؛ در افغانستان هنوز درک درست از مفاهیمی مانند حاکمیت ملی، سیاست خارجی و روابط خارجی، وجود دارد. حداقل در ایران یکپارچگی سیاسی به وجود آمده است اما در افغانستان هنوز چنان یکپارچگی بوجود نیامده است. ادبیات سیاسی ما بسیار ناپخته است و منافع تعامل سازنده می شود. دکتر رحیمی برخی از ویژه گی زبان در هر یک از کشورهای ایران و افغانستان را برشمرد که به زعم ایشان مانع تفاهم مطلوب می گردد:

زبان در ایران ایدئولوژیک است؛ مثلاً از کلماتی چون استعمار و استکبار زیاد استفاده می شود.

زبان در ایران، ایده آلیست و آرمانگرایانه است؛ مثلاً مضمایی چون مبارزه با ظلم و تلاش برای رسیدن به عدالت در آن زیاد است.

زبان در ایران، بسیار استعلالی و معنوی است.

زبان در ایران، گاه غیر متعارف و پرخاشجو می شود.

زبان در افغانستان، در میانه ایده آلیسم و ریالیسم است.

زبان در افغانستان، گرفتار جدال بین سنت و تجدد است، اگرچه بیشتر سنتی می باشد.

زبان در افغانستان، زمینی و مادی است؛ این بیشتر ناشی از دوام جنگ و علاقه گرفتن به منافع مادی است.

زبان در افغانستان، ساکن است و ایستایی دارد؛ عدم رشد سیاسی در افغانستان مشهود است.

زبان در افغانستان، به عنوان ابزار هویت و قدرت نگریسته می شود.

به گفته ایشان وجه تشابه زبان در هر دو کشور، ایده آلیستی بودن آن است. او تأکید کرد که گام اول برای رسیدن به همدلی میان دو کشور بررسی ویژه گی های همزبانی در دو کشور می باشد.

در پیوند با سخنرانی آقای رحیمی، خانم تیشه یار تذکر داد که پرداختن به ادبیات مهاجرت می تواند اقدامی موثر برای شناخت ویژه های زبانی مهاجرین باشد که تغییرات هویتی را تجربه کرده اند.

سخنران اخیر این نشست، دکتر چگنی زاده، به این سوال پرداخت که موضوع مهاجرت از چه زوایه دید باید دیده شود. او دیدگاه های متفاوت را در این زمینه معرفی و بررسی نمود:

- ۱- برخی ها از منظر عاطفی و انسان دوستانه به مسئله نگاه می کنند؛ گفته می شود که ما باید با هم مهربانتر باشیم. تجربه نشان داده است که استدلال از این منظر نمی تواند کارگشا باشد.
- ۲- برخی ها بحث تمدنی می کنند و به اشتراک تمدنی دو کشور اشاره می نمایند؛ به نظر من این بحث در طول تاریخ نتوانسته باعث استحکام روابط میان دو دولت شود.
- ۳- ما در بررسی روابط میان دو کشور معمولاً تاریخ را ورق می زنیم؛ ولی تاریخ هیچ حجیتی برای آینده ندارد. اینکه تا حال ما هیچ جنگی با هم نداشته ایم، دلیل نمی شود که در آینده با هم جنگ نداشته باشیم.
- ۴- این بحث به لحاظ امنیتی اهمیت دارد؛ ما می توانیم از این دیدگاه به نقطه تفاهم برسیم. روشنفکران باید مسئولانه با مسایل برخورد کنند.

او با تأکید این نکته که روایت ها و تصورات ما از جهان، زندگی ما را شکل میدهد، تذکر داد که متأسفانه در سخنرانی سخنرانان افغانستان، روایت ایرانی حاکم است و روایت افغان وجود ندارد. دکتر چگنی زاده از پژوهش مشترک دانشگاه علامه طباطبایی و انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در رابطه با دیدگاه نخبه گان افغانستان در مورد ایران، نقل کرده و گفت که تمام مردم افغانستان از هر قشر جامعه، هر مذهب و هر گروه جنسیتی نسبت به ایران یک حس بی اعتمادی دارند. "بی اعتمادی ما را به سمت تفسیر منفی از واقعیت رهنمون می کند. ما همیشه طرف مقابل را از یک منظر منفی مورد توجه قرار میدهم. دو عنصر تبعیض و تحقیر در روایت افغان ها از ایران برجسته است و در بن مایه های احساسی و قضاوتی ایشان قرار دارد." او با تأکید این نکته که ایرانی ها تمایل دارند جنبه امنیتی بحث های افغانستان را برجسته کنند، درحالی که افغان ها، جنبه سیاسی بحث های مربوط به ایران را

مورد توجه قرار میدهند، نسبت به وضعیت دولت در منطقه هشدار داد. " دولت در منطقه یک دولت ضعیف بوده و یک دولت ضعیف تر خواهد شد. دولت در منطقه روز به روز ضعیف تر می شود. تهدیدات آینده - مانند تغییرات جوی، تهدیداتی خواهد بود که دولت موجود در هیچ شرایطی توانایی مقابله با آنرا ندارد. هم اکنون گفته می شود که شرق ایران در بیست سی سال آینده مشکلات جدی آب خواهد داشت. پس وقتی خواهد رسید که مسئله آب ما را به نوع جدیدی از ضرورت ها رهنمون می کند. به این مسایل و تهدیدات نه در افغانستان و در ایران توجه نمی شود. دولت ها در هر دو کشور در اداره زندگی روزمره درمانده اند. چشم اندازه آینده برای نسل موجود، تنها فرار و مهاجرت است. پس نه دولت و نه مردم ما تعلق خاطر برای ماندن و به سازی زندگی روزمره در کشورهایشان را ندارند." ایشان در جمع بندی سخنرانی اش، پیشنهادات ذیل را مطرح کرد:

- ۱- متوجه کردن جامعه مدنی دو کشور نسبت به مسایل و مشکلات آینده؛ جامعه مدنی باید نسبت به ضرورت پرداختن به اولویت های زندگی روزمره حساس گردد. متأسفانه جامعه مدنی در دو کشور دلمشغولی های بلند مدت ندارد.
- ۲- مشکلات هر دو کشور نسبتاً از یک سنخ است؛ بنا براین باید در پی اقدامات و ابتکارات جمعی و مشترک باشیم.

### جلسه دوم: افغان ها؛ دیدگاه ها



گرداننده: فریدون آژند، دبیر سیاسی روزنامه ی هشت صبح

#### سخنرانان:

- دکتر رسول صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران/ معاون پژوهش و فناوری موسسه مطالعات جمعیتی ایران
- دکتر بلقیس علوی جعفری، پژوهشگر، دانشگاه کابل
- آقای عبدالحسین طباطبایی نسب، پژوهشگر و کارشناس مدیریت همکاری های علمی بین المللی، دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر علیرضا محسنی، رئیس، دانشگاه کاتب

آقای آژند در معرفی موضوع نشست کاری دوم، تذکر داد که دیدگاه‌ها در مورد افغانستان - بخصوص در غرب، در دو دسته کلی یا حکایت از عدم شناخت این کشور دارد یا افغانستان را به عنوان مرکز تروریسم و افراطگرایی شناسایی می‌کند. او خاطر نشان کرد که در جغرافیای مشترکات فرهنگی و تاریخی منطقه دیدگاه‌ها از تنوع بیشتر برخوردارند. به گفته ایشان دیدگاه‌ها در مورد افغانستان در سه دوره تاریخ قابل بررسی است:

۱- دوره تاریخی که هنوز جغرافیای سیاسی به نام افغانستان به وجود نیامده است؛ در این دوره سفر از اصفهان و شیراز به

کابل یک سفر ساده از گوشه‌ای به گوشه دیگر است و مردم یکدیگر را آسان می‌شناسند.

۲- دوره تاریخی شکل‌گیری دولت‌های ملی.

۳- دوره تاریخی معاصر که با مناقشات، سوء تفاهم‌ها و کج فهمی‌ها همراه شده است.

دکتر صادقی در آغاز سخنرانی خود مسئله مهاجرت را در جهان امروز یکی از مسایل اصلی بشر خواند و عصر حاضر را به عنوان عصر مهاجرت توصیف نمود. او با تأکید بر اینکه رسیدگی به مسئله مهاجرت مطالعه و شناخت کافی می‌طلبد، تذکر داد که هنوز در ایران شناخت کافی از این مسئله وجود ندارد. "متأسفانه، علی‌رغم اینکه ایران در چهار دهه گذشته پذیرای حجم قابل توجهی از مهاجران بوده است، هنوز شناخت کامل و کافی درباره بحث مهاجرت وجود ندارد؛ شناخت در مورد ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی که مهاجران می‌توانند در جامعه ایجاد کنند، وجود ندارد و حتی یک کج فهمی در رابطه وجود دارد. در مورد اینکه مهاجران در این دوره چه تغییراتی را تجربه کرده‌اند نیز مطالعه نشده است. ایشان بر اساس برخی از مطالعات تحقیقی خود در زمینه، تغییرات زندگی مهاجرین را از منظر میزان ادغام آنها در جامعه ایران بر اساس سه شاخص بررسی کرد.

- جریان مهاجرت از افغانستان به ایران پیش و بعد از انقلاب اسلامی ایران:
- قبل از انقلاب اسلامی ایران هم حدود ۶۰۰ هزار مهاجرین افغانستانی در ایران به سر می‌بردند، ولی جریان مهاجرت پس از انقلاب بخاطر جنگ در افغانستان شدت بیشتر پیدا کرد. نکته‌ای که باید در نظر گرفته شود این است که پیش از انقلاب، دولت شاهی ایران با پیوستن به کنفرانس بین‌المللی پناهنده‌گان سه شرط برای پذیرفتن مهاجرین گذاشت که بنا بر آن دولت در قبال اشتغال زایی و خدمات رسانی مهاجرین مسئولیتی نداشت و مهاجرین می‌بایست فقط در برخی نقاط خاص ساکن می‌شدند. اما در بعد از انقلاب، با ورود حدود دو میلیون مهاجرین افغانستانی به ایران، آن شرط‌ها نادیده گرفته می‌شود. در دهه ۱۳۷۰ جمعیت این مهاجرین به سه میلیون نفر می‌رسد که جمع یک میلیون پناهنده عراقی، تعداد به چهار میلیون پناهنده افزایش می‌یابد. (در آن سال در سطح جهان شمار پناهنده‌گان ۱۶ میلیون بوده که ۲۵٪ آنرا ایران پذیرایی کرده است. پذیرایی ایران از پناهنده‌گان همزمان بود با مشکلاتی که ایران خود از ناحیه جنگ داشت. رقم سال ۱۳۹۵، یک میلیون و ششصد هزار مهاجر را نشان می‌دهد. اما برآورد می‌شود که حدود ۸۰۰ هزار تا یک میلیون مهاجر بدون مدرک هم در ایران به سر می‌برند. اتفاقی که در این مقطع افتاده است، ظهور نسل جدید مهاجرین است؛ هم اکنون ۶۰٪ مهاجرین افغانستانی در ایران متولد ایران هستند که به عنوان نسل دوم و سوم شناخته می‌شوند.
- تغییرات ساختاری (در برگزیده بحث تابعیت، آموزش، بهداشت و اشتغال) : چونکه در ایران بحث تابعیت و قوانین و سیاست‌های مربوط آن، بر اساس "اصل خون" پیش‌بینی شده است، حق شهروندی به نسل دوم و سوم مهاجرین تعلق نمی‌گردد. در بحث آموزش میزان سواد مهاجرین از ۶۰ به ۶۰ و اخیراً به ۷۰٪ رسیده است که حاکی از تحول در

میزان سواد مهاجرین در نسل دوم و سوم می باشد. در بحث اشغال بخاطر قوانین سختگیرانه، تحول اتفاق افتاده ولی اندک بوده است. در نسل اول ۵۳٪ مهاجرین پایگاه شغلی پایین داشته اند اما در نسل دوم این رقم به ۳۸٪ می رسد. در ایران مشاغل سطح پایین برای مهاجرین مجاز شمرده می شود و این باعث می گردد نسل دوم تحصیل کرده نتوانند به پایگاه شغلی متوسط یا بالا دست پیدا کنند. برای استفاده از ظرفیت و توانمندی نسل دوم مهاجرین نیاز به تجدید نظر وجود دارد. در بحث بهداشت، میزان مرگ و میر اطفال مهاجرین تا سال ۱۳۸۵ مشابه وضعیت ایرانی ها می باشد. میزان فرزندآوری مهاجرین هم که به طور سنتی بالا بوده اکنون نزدیک به میزان بارآوری ایرانی ها محدود به سه فرزند می شود. بنا براین، به غیر از بحث تابعیت، در سایر حوزه ها ما شاهد تحول قابل توجه می باشیم. مطالعات در مورد سطح ادغام این نسل در جامعه ایرانی نشان میدهد که ۲۱٪ مهاجرین خودشان را کاملاً ایرانی میدانند. ۴۱٪ مهاجرین خودشان را افغانستانی می دانند. ۲۶٪ هویت دوگانه پیدا کرده اند و ۱۱٪ احساس بی هویتی دارند. در این میان اکثر مهاجرین مطالعه شده تابعیت ایرانی را ترجیح می دهند. (۳۵٪ از پرسش شونده گان تابعیت ایرانی و ۳۳٪ از آنها تابعیت افغانستان را ترجیح میدهند. ۱۳٪ به هیچ یک از تابعیت ها رضایت نشان نداده اند).

- استراتژی های نسل دوم مهاجرین برای ماندن یا بازگشت: کسانی که توانسته اند در جامعه ایران ادغام شوند، تمایل به ماندن در این دارند. کسانی که نتوانسته اند در جامعه ایران ادغام شوند یا هویت دوگانه پیدا کرده اند و یا احساس بی هویتی می کنند، تمایل به مهاجرت دوباره دارند که عمدتاً مقصدشان کشورهای اروپایی است. مطالعات ما نشان میدهد که ۶۵٪ مهاجرین قصد دارند بروند به کشورهای دیگر به غیر از افغانستان، مهاجرت کنند.

دکتر صادقی در جمع بندی سخنرانی خود تاکید کرد که ما هم اکنون در ایران با نسل دوم و سوم مهاجرین افغانستانی که در ایران متولد شده اند و تحولات ساختاری را تجربه کرده اند روبرو می باشیم؛ سیاست گذاری های اصلی باید متوجه این نسل از مهاجرین باشد.

سخنران دوم دکتر محسنی در آغاز صحبت هایش خود را از جمله نسل دوم مهاجرین افغانستانی در ایران معرفی کرد. ایشان با ارائه مقدمه ای در زمینه تاثیر اقتصادی مهاجرت، این مسئله را با خوانش برخی از مطالعات موجود در زمینه از سه منظر بررسی کرد.

- مهاجرت تامین کننده نیروی کار می باشد.
  - مهاجرت تولید ناخالص ملی را هم در کشور مهاجر پذیر و هم در کشور اصدار کننده مهاجر افزایش می دهد.
  - مهاجرت می تواند باعث افزایش اشتغال زایی و سرمایه گذاری شود.
  - مهاجرت باعث افزایش تقاضای کار در هر دو کشور مبدأ و مقصد می شود.
  - تاثیرات اجتماعی مهاجرت مورد اختلاف نظر است.
- ۱- تاثیر اقتصادی مهاجرت در کشور صادر کننده مهاجر: مطالعه ای که وضعیت مهاجرت در کشور مراکش را بررسی کرده، نشان میدهد که مهاجرت تاثیرات مثبت مستقیم در مناطق صادر کننده مهاجر داشته است و مناطقی که کمتر مهاجر فرستاده است هم شاهد تاثیرات غیر مستقیم مثبت بوده اند. شواهد نشان میدهد که تاثیرات مهاجرت در اقشار مختلف جامعه ناهمگون بوده است؛ اقلیت ها بیشتر از مهاجرت تاثیر می پذیرند. در منطقه فرستنده مهاجر مهاجرت باعث کاهش فعالیت اقتصادی شده است. چنانچه مردم از پولی که مهاجر به خانواده اش می فرستند تغذیه می کنند. همچنان اگر وضعیت اقتصادی منطقه فرستنده مهاجر بهبود یابد، مهاجرین تمایل به بازگشت در منطقه پیدا می کنند.

۲- تاثیر اقتصادی مهاجرت در کشور مهاجر پذیر: مطالعه ای که در کشورهای اسکانندیناوی انجام شده است، نشان میدهد که کشورهای میزبان تاثیرات قابل توجه مشاهده کرده اند. مهاجرین به تدریج از کارگران ساده به کارگران متخصص تبدیل شده اند. مهاجرت بر کارگران بومی بدون تخصص و یا مهاجرین قدیمی تر تاثیر منفی قابل توجه گذاشته است. در مورد مسئله هزینه های احتمالی که مهاجرت بر دولت میزبان تحمیل می کند، مطالعات حاکی است که تاثیرات بر منابع مالی دولت اندک است.

۳- تاثیر اقتصادی مهاجرت بر فرار مغزها: مطالعه نشان میدهد که منافع بازگشت مهاجرین به کشور خود زیاد است. تحقیقات در کشورهای مختلف نشان میدهد که مهاجرین بازگشته به کشورشان نقش مثبت بر اقتصاد دارند.

دکتر محسنی در جمع بندی سخنانش پیشنهاد کرد که بهتر است سیاست های کشورهای کمک کننده با سیاست های کشور مهاجر فرستنده هماهنگ گردد تا استفاده از منابع بشری تسهیل و تنظیم شود.

سخنران سوم این نشست کاری، خانم دکتر جعفری در مورد روایت مهاجرین از مهاجرت بنا بر مطالعه خود از روایت مهاجرین افغانستانی در ایران در عرصه شعر و موسیقی، صحبت کرد. او تذکر داد که مهاجرت افغان ها با دلایل و بهانه های گوناگون سابقه طولانی تر از دوره مهاجرت شان در اثر جنگ دارد که در اشعار و موسیقی بازتاب یافته است. مضامینی چون مسافری، مهاجرت، آواره گی و... در طول زمان به میان آمده و جایگزین هم شده اند. در اشعار و آهنگ های روایت شده دو صدا قابل تشخیص است: (۱) صدای بازمانده گان؛ که غالباً صدای زنان را بازتاب میدهد. (۲) صدای مهاجرین.

• صدای مهاجرین در اشعار و آهنگ ها: تصویر غالب در این روایت، مهاجرت را واقعیتی تلخ و نامطلوب می شمارد. یادآوری حسرت بار از خاطرات گذشته زندگی در وطن و شوق بازگشت به زادبوم در این اشعار و آهنگ ها بازتاب خاص دارد.

نماز شام غریبی سو به من کرد

دلجم جولان زد و یاد وطن کرد

نمی دانم پدر بود یا برادر

سلامت باشد هر کس یاد من کرد

مهاجر دور از وطن محروم از داشته های خود می بیند.

غریبی سخت مرا دلگیر کرده

فلک بر گردنم زنجیر کرده

فلک از گردنم زنجیر بردار

که غربت دامنم را گیر کرده

انسان مهاجر و آواره خود را با بیگانگی روبرو می بیند و فقدان غرور و عزت را تجربه می کند. زندگی در کشور بیگانه همچون ذلت تصور می شود. در اشعار اخیر عنصر تحقیر و تبعیض بارز است. فقدان شور، جوانی، نشاط و ترس از مرگ در غربت در این اشعار به چشم می خورد. وطن و دیار هجرت با رویکرد دوگانه تصویر می شود. سرزمین بیگانه معمولاً بصورت سلبی تصویر می شود، درحالی که وطن با زیبایی و به گونه ایده آل به تصویر کشیده می شود. مهاجر معمولاً در یک رفت و آمد خیالی در گذشته و اکنون به سر می برد.



بلبل به وطن تحت سلیمان خوشتر  
خاک وطن از لاله و ریحان خوشتر  
یوسف که به مصر پادشاهی می کرد  
صد کاش گدا می شد به کنعان خوشتر

دکتر جعفری تاکید کرد که صدای مهاجرین - بخصوص صدای مهاجرین در ایران، عموماً حاکی از رنج و نارضایتی است. او تذکر داد که باید در این مورد تحقیق شود که چرا تصویر روایت مهاجرین افغانستانی عموماً یک تصویر منفی است.

این نشست کاری با سخنرانی آقای طباطبایی نسب که در مورد ریشه های نابرابری های اجتماعی - بخصوص نابرابری آموزشی - مهاجرین افغانی در ایران صحت کرد، خاتمه یافت. او در آغاز سخنرانی خود با قبول اینکه مهاجرین افغانستانی در ایران از تبعیض فرهنگی رنج برده اند، تاکید کرد که تجربه نابرابری اجتماعی و فرهنگی مهاجرین در ایران یک پدیده منحصر به فرد نیست، بلکه در همه جای جهان این وضعیت وجود دارد. ایشان با استفاده از نظریه جامعه شناختی پییر بوردیو (جامعه شناس فرانسوی) به تحلیل این مسئله پرداخت. "از نظر بوردیو نظام آموزشی اولین مکانیزم پایدار سازی نابرابری اجتماعی است. ساختار هویتی فرد (ریخت) در خانواده شکل میگیرد و نظام آموزشی (زمینه) می تواند مکمل آن در طول زمان باشد. از نظر بوردیو مهمترین زمینه، زمینه قدرت است. با این حال هر زمینه یکسری هنجارها و مکانیزم های کنترلی خاص خود را دارد. وقتی ریخت فرد با زمینه ای که در آن بازی می کند، هماهنگی و تطابق داشته باشد، دسترسی فرد به موقعیت بهتر را فراهم می سازد. از نظر بوردیو، افراد با استفاده از "سرمایه" جابجایی اجتماعی داشته باشد. (بوردیو چهار نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سرمایه نمادین را یکدیگر تفکیک می کند). مهمترین نوع سرمایه، سرمایه فرهنگی است که دستیابی فرد به موقعیت بهتر را تسهیل می کند. آنکه سرمایه فرهنگی کافی ندارد، آنچه را که از بیرون به او تحمیل می شود (خسونت نمادین) می پذیرد.

آقای طباطبایی نسب، با خوانش بندهایی از پیوست شماره دو دفترچه راهنمای آزمون سراسری سال ۹۶ دانشگاه های ایران، تبعیض فرهنگی مهاجرین افغانی در ایران را مورد تحلیل قرار دارد. "در یکی از بندهای این پیوست تذکر داده شده است که "متقاضیان تحصیل غیر ایرانی مجاز به انتخاب رشته در مناطق غیر مجاز تردد و اسکان اتباع غیر ایرانی نمی باشند و در صورت قبولی در رشته در مناطق غیر مجاز، قبولی و پذیرش آنان منتفی است." ابتدا ملاحظه ای که باید در نظر گرفته شود این است که شرایط مهاجرین افغان یا غیر افغان در ایران تابعی از شرایط اتباع ایرانی است. با این حال بند مذکور نشان می دهد که ما با اعمال تبعیض بر مهاجرین، سرمایه فرهنگی را از آنها می گیریم. بنا بر قوانین، مهاجرین نمی توانند بیش از یکبار در یک مقطع تحصیل کنند. اما این تبعیض فرهنگی (خسونت نمادین) بر بسیاری از شهروندان ایرانی هم در ایران اعمال می شود. این نظام آموزشی است که سلطه خود را بر اقشار مختلف جامعه تحمیل می کند. اگرچه شرایط قابل تغییر است. " او در جمع بندی سخنانش پیشنهاد کرد:

- باید پژوهش میدانی در مورد ریخت مهاجرین انجام شود.
- بنا بر مطالعات انجام شده، سیاست ها در قبال مهاجرین برای بهبود وضعیت آنها تغییر داده شود.

نشست کاری دوم با بحث آزاد اشتراک کننده گان پیگیری شد.

- اشتراک کننده از ایران: رویکرد سازمان های مختلف در داخل ایران بنا بر منافع صنفی و بخشی از یکدیگر تفاوت دارند. گاهی تفاوت برخوردها ربطی به منافع ملی ندارد. مسئله سهمیه بندی مناطق در ایران بسیار جدی است و تبعیض سیستماتیک - در نظام آموزشی مخصوصاً، در مورد شهروندان ایران هم وجود دارد. تبعیضی که مهاجرین تجربه می کنند ممکن است خواسته حاکمیت نباشد.

- اشتراک کننده از افغانستان: عدم آگاهی و فهم بین الاذهانی میان مهاجرین و جامعه میزبان مسئله مهاجرت را دچار مشکل جدی کرده است. من به عنوان مهاجری از نسل اول مهاجرین، همواره با دغدغه بازگشت به کشور خود به سر برده ام. نظام حقوقی و سیاسی ایران در برابر ادغام اجتماعی مهاجرین مانع ایجاد می کند. در ایران مهاجرین همیشه با صفت غیر قانونی شناخته می شوند. بهتر است که این مسایل به دقت علمی مورد بررسی قرار گیرند.

- اشتراک کننده از افغانستان: سوال از آقای صادقی: آیا تحرک نسلی مهاجرین در عرصه تحصیلات، مربوط به مهاجرین با مدرک می شود یا مهاجرین بدون مدرک را هم شامل می گردد؟

- اشتراک کننده از ایران: برای بررسی وضعیت مهاجرت باید ابعاد مختلف شرایط را در نظر بگیریم. ایران و افغانستان اشتراکات مهمی - مانند زبان فارسی، با یکدیگر دارند. این دو کشور شبیه ترین کشورها به یکدیگر هستند. اما علی رغم همه اشتراکاتی که ما با هم داریم، همگرایی نداریم. ولی مهم این است که ما در راستایی همگرایی قدم می زنیم. در مقایسه وضعیت امروز با سالهای گذشته ما شاهد پیشرفت هستیم. از جانب ایران، کمبودهایی وجود دارد. در گذشته ما برای خود ایرانی ها امکانات کافی نداشتیم. حالا بچه های افغانستان در نظام آموزشی ایرانی از اهمیت برخوردارند. امروز اگر دانشجوی افغان در ایران رتبه کانکور زیر ۱۰۰ بیاورد، برایش بورس در نظر می گیریم. همچنان ما ملاحظات اداری را باید در نظر بگیریم؛ مثلاً در ثبت نام افراد در مدارس. بدون مدرک شناسایی، ثبت نام ایرانی ها هم در مدارس به آسانی صورت نمی گیرد. نکته مهم دیگر این است که نحوه حضور مهاجرین افغانستان در ایران در شکل گیری تصویر آنها در نزد ایرانی ها تاثیر مهم دارد. اینکه یک فرزند مهاجر رتبه عالی کانکور را به خود اختصاص می دهد، خبری است که یک ایرانی می خواهند آنرا بشنود.

آقای دکتر صادقی در پاسخ به سوالات گفت " احساسی که مهاجرین نسبت به وضعیت موقت خود در ایران داشته اند، احساسی است که مسئولین دولت ایران هم نسبت به پدیده مهاجرت داشته اند. دولت ایران فکر می کرده که مهاجرت یک پدیده موقت است. خود این باعث شد که خیلی از سیاست ها در زمینه ادغام مهاجرین وجود نداشته باشد. ولی حالا وضعیت فرق کرده است. اخیراً به این نتیجه رسیده ایم که وجود افغانستانی ها در ایران یک واقعیت اجتماعی است. بحث ها در مورد تامین حق بیمه حالا در جریان است. مسئله این است که میان مهاجر و پناهنده باید تفکیک شود. حالا حداقل کارهای پژوهشی در زمینه بها داده می شود، زیرا مسئولین متوجه ظرفیت ها و توانمندی مهاجرین امروزی شده اند.

آماري که من در مورد افزایش میزان باسوادی نسل دوم مهاجرین ارائه دادم حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر مهاجرین بی مدرک را هم در برمی گیرد. البته نباید تلاش خود مهاجرین برای تاسیس و مدیریت مدارس خودگردان را در افزایش میزان باسوادی مهاجرین، نادیده بگیریم.

## جلسه سوم: مهاجرت تراژدی انسانی؛ فرصت‌ها



گرداننده: دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

### سخنرانان:

- دکتر مهری رضایی، پژوهشگر / استاد دانشگاه کاتب
- دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیات علمی و مدیر همکاری های علمی بین المللی، دانشگاه علامه طباطبائی
- آقای عبدالله محمدی، کارمند بخش مهاجرت، شورای پناهندگان دانمارک
- دکتر سید حبیب‌الله طباطبائی، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

آقای دکتر چگنی زاده پیش از دعوت سخنرانان تذکر داد که لازم است امور واقعی از امور غیر واقعی تفکیک شده و به مسیر درست هدایت گردد.

سخنران اول این نشست کاری، خانم دکتر رضایی در مورد معضل قاچاق انسان و قاچاق مهاجران صحبت نمود. به گفته ایشان افغانستان چهار سال متوالی به عنوان دومین کشور از نظر قاچاق انسان مورد نظر دیوان حقوق بشر بوده است. خانم دکتر رضایی با ارائه تعاریف رسمی از قاچاق انسان و قاچاق مهاجران سخنرانی خود را آغاز کرد. "تفاوت مهم قاچاق انسان و قاچاق مهاجر این است که مهاجر خودش به منتقل شدن قاچاقی از جایی به جایی دیگر رضایت دارد، اما قاچاق انسان الزاما با رضایت انسان همراه نیست. اما رابطه میان قاچاق انسان و قاچاق مهاجر از جمله این است که یکی از مهمترین راه های قاچاق انسان از طریق مهاجرت می باشد. مهاجرت غیر قانونی در جهان هر سال در حال افزایش است که خطرات زیادی را متوجه قربانیان خود می سازد. مهاجرت در سطح جهان از سال ۲۰۱۴ در حال افزایش بوده است." ایشان با ارائه برخی معلومات در مورد قاچاق مهاجر و قاچاق انسان در سطح جهان، به توصیف وضعیت مهاجرت مهاجرین افغانستان پرداخت. "در افغانستان قربانیان قاچاق کسانی هستند که قبلا در اثر جنگ، حوادث طبیعی، فقر و عوامل دیگر از روستا، شهر یا جایداد اصلی خود بیجا شده اند. کسانی که از موطن اصلی خود جدا می شوند، بسیار آسیب پذیر هستند. مهاجرت اطفال بدون همراه در سالهای اخیر بسیار زیاد شده است و در بسیاری موارد با اجازه خانواده ها صورت می گیرد. این اطفال مورد سوء استفاده های زیاد قرار میگیرند و خطرات زیادی متحمل می شوند. این ها کسانی هستند که امیدی

به زندگی در موطن خود ندارند، بنا براین تن به این خطرات می دهند. مهمترین عوامل مهاجرت در افغانستان عبارت اند از جنگ و ناامنی، فقر و ناامنی، بی ثباتی اقتصادی و سیاسی، گسترش کشت و قاچاق مواد مخدر، فساد در دستگاه امنیتی و پولیس، عدم مدیریت مرزها، خشونت های خانواده گی، رسومات ناپسند مانند فروش دختران، تبعیضات جنسی، قومی و مذهبی و سودآور بودن مهاجرت غیر قانونی در کشور. "ایشان سپس در مورد اقدامات دولت در مورد صحبت کرد. " ما اخیراً قانون مقابله با اختتاف و قاچاق انسان را اصلاح کرده ایم و در عوض قانون با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران را داریم که با پروتوکل های بین المللی همسو می باشد. همچنان ما پدیده بچه بازی را جرم انگاری کرده ایم و به مجازت و محاکمه افراد مجرم پرداخته ایم." خانم رضایی در جمع بندی سخنان شان پیشنهادات ذیل را مطرح ساخت.

۱- تطبیق و اجرای کامل قانون مقابله با قاچاق انسان و قاچاق مهاجر؛ اگر ما قانون را تطبیق کرده و افراد مجرم را محاکمه کنیم، از شدت این معضل کاسته خواهد شد.

۲- فراهم نمودن شرایط مهاجرت قانونی؛ به جای اینکه ما توافقنامه بازگرداندن مهاجرین را با کشورها امضا کنیم، خوب است که بتوانیم با کشورهای دیگر برای مهاجرت قانونی مهاجرین- حداقل به منظور کار، به توافق برسیم.

سخنران دوم، خانم دکتر ریشه یار تحت عنوان "بررسی سناریوهای آینده مهاجرین افغان در ایران" سخنرانی کرد. او در آغاز صحبت هایش تذکر داد که ایران پذیرای شمار زیادی از مهاجرین کشورهای افغانستان و عراق بوده است. اما در حالی که شمار زیادی از مهاجرین عراقی پس از سقوط صدام، به تدریج به کشورشان بازگشته اند، حضور مهاجرین افغانستان در ایران دوامدار بوده است. برخی از مهاجرین افغان به کشورشان برگشته اند و برخی دیگر دوباره به ایران آمده اند. از این لحاظ مهاجرت برای دولت ایران تبدیل به یک موضوع بحرانی شده است. "ایشان در سخنرانی اش به سوالات ذیل پاسخ داد:

• چرا افغان ها مهاجرت می کنند؟

سه مولفه در پاسخ به این سوال وجود دارد؛ یکی بحث امنیت انسانی است. دوم، وجود دولت های شکننده و سوم، تروریزم و افراطگرایی می باشد. از دهه ۹۰ به بعد، در بحث امنیت انسانی، به عناصری چون احساس ناامنی از وضعیت شغلی، عدم امنیت درآمد، نگرانی های سلامتی، زیست محیطی و ... اشاره می می شود. یکی از اصول اولیه امنیت انسانی دسترسی مردم به غذا می باشد. مردمی که زیر خط فقر زندگی می کنند، نمی توانند بگویند که ما دارای امنیت انسانی هستیم. در سال ۲۰۱۴، ۳۵٪ مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی می کردند. کشت و کار در افغانستان همچنان بیشتر محدود به مواد مخدر می شود نه گندم. شرایط زیست خوب برای افغان ها بسیار دشوار شده است. بحث دوم، دولت شکننده است؛ دولت شکننده دولتی است که نمی تواند پیش نیازهای حکمرانی- مثل برپایی نظم، برقراری ثبات و امنیت، را تامین کند. دولت شکننده باعث بوجود آمدن برخی پدیده های منفی می شود؛ مانند فرار مغزها، تنش میان گروه های اجتماعی، افزایش مهاجرت، افزایش بیماری ها، فقر، فساد مالی، کاهش خدمات عمومی مثل بهداشت و غیره. اینجاست که مردم عادی باید تصمیم بگیرند که یا به گروه هایی جنگجو بپیوندند و در برابر بقیه جبهه گیری کنند و یا خود را کنار کشیده و به جامعه ای بروند که بتوانند آنجا زندگی بکنند.

• وضعیت کنونی مهاجرین افغان در ایران چگونه است؟

ما حدود ۵۸۰ هزار مهاجر افغان در ایران داریم که دارای گذرنامه هستند. (از این جمعیت حدود ۴۵۰ هزار نفر به صورت خانواده گی و ۱۳۰ هزار نفر به گونه مجرد به سر می برند. حدود ۵۰٪ افراد از هر دو گروه خانم ها هستند.) حدود ۹۰۰ هزار پناهنده ثبت شده داریم و گفته می شود که یک میلیون و پنجمصد هزار نفر هم به گونه غیر مجاز در ایران به سر می برند. پس از سقوط طالبان

حدود یک میلیون و دوصد و هفتاد و چهار هزار پناهنده به کشورهاشان برگشته اند، اما در سالهای بعد بنا بر شرایط نامناسب زندگی در افغانستان خیلی از این مهاجرین به ایران باز گشته اند. ۹۷٪ افغان ها در شهرها و روستاهای ایران زنده گی می کنند و فقط سه درصد در اردوگاه ها به سر می برند. این نشان میدهد که یک اندازه پذیرش اجتماعی در جامعه ایران وجود داشته است. ده ها هزار مورد ازدواج میان مهاجرین و ایرانی ها صورت میگیرد و ایرانی ها در استخدام نیروی کار بیشتر روی کارگران افغان بخاطر پشتکار و صداقت شان حساب می کنند. پس نباید جنبه های مثبت نگاه ایرانی ها به افغان ها را نادیده بگیریم.

#### • سیاست دولت ایران در قبال مهاجرین افغان چیست؟

در بحث آموزش و پرورش، بنا بر آمار محاسبه شده هر دانش آموز به طور سالانه ششصد دالر هزینه بر می دارد که اگر به تمام دانش آموزان افغان تقسیم شود، هزینه تحصیل آنها به مبلغ ۲۴۶ میلیون دالر بالغ می گردد. این در حالی است که نهادهای بین المللی در سال ۲۰۱۵ فقط یک میلیون دالر به ایران کمک کرده اند. یکی از مشکلات ایران این است که دولت ایران با دولت های بزرگ مشکلات سیاسی و ایدئولوژیک دارد و این باعث می شود که ایران نتواند از سازمان های بین المللی کمک دریافت کند. این مشکل را ترکیه ندارد. در بحث آموزش عالی، بین سالهای ۷۸ تا ۹۴، حدود ۴۲ هزار تن از دانشجویان افغان از دانشگاه های ایران فارغ التحصیل شده یا در حال تحصیل بوده اند. در بحث پوشش بیمه همگانی هم اکنون ۲۲۰ هزار پناهنده افغان بیمه شده اند. ما می خواهیم آنها را به یک میلیون نفر برسانیم اما بدون کمک نهادهای بین المللی نمی توانیم این کار را انجام دهیم. در بحث قوانین مربوط به ازدواج، مالکیت و تابعیت ما نیاز به بازنگری داریم. همچنان ما برای تغییر نگاه تبعیض آمیز جامعه ایران نسبت به مهاجرین افغان نیاز به کار داریم. در عین حال باید در نظر داشت که در سالهای اخیر ما تحت تحریم اقتصادی قرار داشته ایم که کمر اقتصاد ایران را شکست و زندگی را بر ایرانی ها و غیر ایرانی ها سخت کرد.

#### • دولت ها و کنشگران غیر دولتی چه اقداماتی را برای بهبود وضعیت زندگی مهاجرین افغانستان انجام داده می توانند؟

خانم تیشه یار در جمع بندی صحبت هایش گفت "مهاجرین سه راه پیش روی دارند؛ یا برگردند به خانه خودشان، یا از ایران به عنوان یک گذرگاه برای رفتن به اروپا استفاده کنند و یا ایران را خانه دوم خود بدانند و بمانند. با توجه به اینکه در آینده نزدیک چشم انداز روشنی برای ثبات در افغانستان به نظر نمی رسد، افغان ها به خانه بر نمی گردند. بخاطر قوانین دشوار مهاجرتی اروپا، مهاجرین افغان به اروپا هم نخواهند رفت. نتیجه این می شود که مهاجرین در ایران می مانند. هزینه ماندن آنها در ایران باید از جایی تامین شود. "ایشان با ارائه پیشنهاد خود، سخنرانی اش را پایان داد. "گفتگوی مهاجرت ادامه یابد و گسترش پیدا کند به نهادهای منطقه ای تا دیگر کشورها هم به این بحث بپیوندند. ما ( از طرف دانشگاه علامه) آماده هستیم که برای مطالعه این مسئله نهادهایی را در ایران تشکیل بدهیم و با دیگران همکاری کنیم."

پس از سخنرانی خانم تیشه یار، دکتر چگنی زاده بر این نکته تاکید کرد که افزایش تحصیل باعث افزایش توقعات میشود. "به نظر می رسد در جامعه ما رشد تحصیلی شتاب زیاد پیدا کرده، اما از سوی دیگر خدمات دهی در جامعه توسط جامعه و نهادهای مردمی روز به روز کمتر می شود. در نتیجه آن سطح زندگی که پدران ما به راحتی می توانستند تحمل کنند، برای نسل امروز غیر قابل تحمل می گردد و امنیت انسانی با افزایش تحصیل دچار مخاطره می شود. یکی از بن بست های فعلی در جوامع توسعه نیافته این است که چطور افراد را در دانش رشد بدهند و بتوانند همزمان ظرفیت دولت برای پاسخگویی به مطالبات را هم بالا ببرند. اگر این اتفاق نیافتد، هر چه ما افراد تحصیل کرده تولید بکنیم، به ناامنی اجتماعی بیشتر دامن زده ایم. مهم است که علاقه ما به افزایش دانش امنیت زا باشد و نه امنیت زدا."

سخنران سوم این نشست کاری، آقای محمدی درمورد "سنخ شناسی و کارکردهای شبکه های قاچاق مهاجر در افغانستان" سخنرانی کرد. او در آغاز صحبت هایش در مورد پروژه کاری اش تحت عنوان " مکانیزم ترکیبی نظارت بر مهاجرت"<sup>۲</sup> معلومات داد. " قصد ما از پروژه مذکور ، بررسی الگوهای مهاجرت منطقه ای افغان ها می باشد. تلاش ما این است که بر خلاف تلاش های مقطعی، به طور مسلسل همراه – در یک و نیم سال گذشته، به جمع آوری اطلاعات بپردازیم. آنچه کمتر مورد مطالعه قرار گرفته این است چه اتفاقی برای مهاجرین در ایران می افتد. اطلاعاتی که ما جمع آوری می کنیم، کشورهای مبدا، مسیر مهاجرت و کشورهای مقصد را شامل می شود. سه مسیر عمده مورد در مطالعه ما مد نظر بوده است. (۱) مسیر شرق به سمت هند و از آنجا به اندونزی و استرالیا؛ این مسیر الان کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. (۲) مسیر شمال به سمت روسیه و کشورهای اسکاندیناوی؛ فعلا در این مسیر تردد مشاهده نمی شود. (۳) مسیر غرب؛ به سمت ایران، پاکستان و کشورهای غربی؛ این مسیر فعلا مسیر پر تردد است." آقای محمدی در ادامه در مورد مهاجرت هایی که به سمت ایران صورت میگیرد، توضیحات داد.

"در مورد عوامل زمینه ای مهاجرت، عامل سیاسی عامل اصلی است. اما عامل اقتصادی هم بسیار مهم می باشند. یکی از تغییراتی که در دو سه سال اخیر مشاهده شده این است که در حالی که در گذشته مهاجرت ها هم به سمت ایران و هم به سمت پاکستان جریان داشت، حالا مهاجرت از سمت پاکستان به سمت ایران سوق یافته است. در هر ماه ۴۶٪ مهاجرت ها به سمت ایران به عنوان کشور مقصد صورت گرفته است. بنا بر مصاحبه های عمیق که ما در چند شهر افغانستان انجام داده ایم، اکثر قاچاقبرها افراد متاهل، ۲۵ تا ۴۵ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی هستند. قاچاقبری برای اکثر آنها تنها منبع درآمد است. در خصوص سنخ شناسی شبکه ها ما پی بردیم که سه نوع شبکه قاچاق مهاجر در افغانستان فعالیت می کند. شبکه های نوع اول، شبکه های کوچک محلی که بیشتر در مرزهای شرقی، غربی و جنوب غربی افغانستان فعالیت می کنند. این شبکه ها بیشتر در کار قاچاق کالا هستند، اما در کنارش گاهی مهاجرین را هم قاچاق می کنند. شبکه های نوع دوم، شبکه های منطقه ای اند که معمولا وظیفه قاچاق مهاجر به کشورهای همسایه – تا ترکیه یا هند، را به عهده دارند. این شبکه ها تا حدی با شبکه های نوع سوم همکاری دارند. شبکه های نوع سوم، شبکه ها جهانی هستند که مراکزشان خارج از افغانستان است و با همکاری شبکه های منطقه ای کار خود را پیش می برند. وظایف در این شبکه ها به طور مشخص تقسیم شده است و هر فرد کار خود را در شبکه انجام میدهد. ( به شمول پیدا کردن مشتری، حمل و نقل و...) استفاده از ابزار های شبکه های اجتماعی در میان این شبکه های بسیار معمول است. در پیدا کردن مشتری تمرکز آنها بر شبکه های قومی و فرهنگی است. خدمات آنها متنوع است که عبور دادن از مرز از جمله خدمات اصلی آنها محسوب می شود. انتخاب مسیرها بر عهده خود شبکه ها می باشد. منبع اطلاعات مهاجرین پیش از سفر همان شبکه های قومی و فرهنگی است اما در مسیر سفر مهاجرین وابسته به قاچاقبران می شوند. نرخ ها بسته به عرضه و تقاضا و شهرهای مقصد فرق دارد. در مورد حوادث مسیر سفر، یافته های ما نشان میدهد که تلفاتی که مهاجرین قبل از خروج از مرز متقبل می شود بسیار چشم گیر است و شاید کمتر از تلفاتی که پس از عبور از مرز رخ می دهد، نباشد. در یک مطالعه نمونه ای تقریبا سه هزار نفری، تعداد مرگ های ثبت شده در مدت شش ماه ۶۳۰ مهاجر بوده است. در کنار آن ۳۳۲ مورد توهین بدنی و ۸۸ مورد توهین جنسی به شمول تجاوزات جنسی گزارش شده است. ۱۳۵ مورد زندانی شدن گزارش شده است. ۷۶ مورد باجگیری و آدم ربایی گزارش شده است؛ بخصوص در شبکه های فعال در

<sup>2</sup> Mixed Migration Monitoring Mechanism

غرب کشور. رشوه گیری از جمله دیگر مواردی است که گزارش شده است. برخلاف جاهای دیگر، در افغانستان قاچاقبر دارای شان و منزلت اجتماعی است و چهره مثبت دارد. "

آقای چگنی زاده در پیگیری صحبت های آقای محمدی، از جعل ویزا و خرید و فروش ویزا هم به عنوان مجراهای مورد استفاده قاچاقبران نام گرفت و تاکید کرد که باید مورد توجه قرار گیرد.

سخنران آخر این نشست کاری، دکتر طباطبائیان در خصوص مهاجرت نخبه گان صحبت کرد و فرصت ها برای تبدیل کردن پدیده مهاجرت نخبه گان به چرخش نخبه گان را ارزیابی نمود. او تذکر داد که اگر برای توانمند سازی نخبه گان - بخصوص در حوزه آموزش عالی، برنامه ریزی شود، می توان به نتیجه مطلوب دست یافت. " همانطور که اشاره شد وضعیت مهاجرین افغانستان در ایران نگران کننده است و متأسفانه سطح پایین مهارت و سواد مهاجرین هم موجب می شود که در کشور میزبان شرایط مطلوب نداشته باشند؛ این مسئله مهاجرین را مجبور می کند که با دستمزد کمتر از هم تاهای ایرانی شان، تن به کار بدهند و به طور عمومی در شرایط دشوار به سر ببرند. در مورد افغانستان مهاجرت یک پدیده موقتی نیست. حداقل تا بیست سال آینده موج مهاجرت ادامه خواهد داشت. " ایشان چاره جویی برای این وضعیت را در دو مرحله امکان پذیر دانست:

- ۱- توانمند سازی مهاجرین؛ ارتقای سطح آموزش های تخصصی و مهارتی مهاجرین. در ایران مهاجرین افغان که مهارت های فنی و تخصصی بهتری دارند، جایگاه اجتماعی و شغلی خوبی دارند.
- ۲- برنامه ریزی برای اعزام هدفمند نیروی کار؛ باید دفاتر حمایت از مهاجرین - حداقل در ایران، ایجاد شود و برنامه های تشویقی برای بازگشت مهاجرین پیشینی شود.

• توانمند سازی مهاجرین ( در عرصه آموزش عالی) :

رشد آموزش عالی در افغانستان واقعا چشمگیر است، اما با توجه به سیل تقاضا کافی نیست. ما همین سیل تقاضا برای آموزش عالی را در ۲۵ سال پیش داشتیم اما حالا هر متقاضی می تواند به دانشگاه ها وارد شود. حتی در دانشگاه های ایران ظرفیت خالی وجود دارد. من فکر می کنم ما می توانیم از این ظرفیت حداقل برای مهاجرینی که در ایران ساکن هستند، به خوبی استفاده کنیم. بین دستگاه های اداری در ایران مشکلاتی وجود دارد که قابل حل شدن است. اگر بین دو دولت افغانستان و ایران هماهنگی صورت گیرد، دانشجویان افغان را از افغانستان هم می توانیم با تخفیف در دانشگاه های ایران بپذیریم. اقتصاد آموزش عالی در ایران بسیار ارزان است و می توان از آن بهره برداری کرد. جذب دانشجویان افغانی در دانشگاه های ایران برای هر دو طرف خوب است. حدود ۱۳۸۰۰ نفر دانشجوی افغان - مقیم ایران، در ایران تحصیل می کنند. این جمعیت در برابر ظرفیت موجود بسیار اندک است.

اما باید این را هم متوجه باشیم که افزایش تحصیلات عالی می تواند به افزایش توقعات و بیکاری افراد بیانجامد. هم اکنون در ایران کسانی که سواد ابتدایی دارند کمتر از کسانی که تحصیلات عالی دارند بیکارند. در افغانستان هم شما ممکن است با همین مشکل مواجه شوید. بنا بر این فقط آموزش عالی کافی نیست، باید برای شاغل شدن تحصیل کرده ها برنامه ریزی کرد. اقتصاد دانش بنیان بحث بسیار جدی است. این بحث حوزه مطالعه مدیریت تکنولوژی و نوآوری است. دانشگاه علامه اولین دانشگاهی است که این رشته علمی را تاسیس کرده و آنرا در سطح دکتری برای متقاضیان بین المللی در منطقه هم ارائه می کند.

نشست کاری سوم با بحث آزاد اشتراک کنندگان پیگیری شد.

- اشتراک کننده از افغانستان: دولت ایران می تواند با تسهیل صدور ویزا و مدیریت سرحداتش از مهاجرت غیر قانونی مهاجرین افغان کم کند. ایران اخیرا تصمیم گرفته که مهاجرین غیر قانونی را از طریق سرحد نیمروز اجبارا به افغانستان

برگرداند. این درحالی است که این سرحد در منطقه ای است که هم نظر امنیتی و هم از نظر دوری راه وضعیت خوب ندارد. قاچاقبران دوباره مهاجرین بازگردانده شده را قاچاق می کنند. طبق آمار موجود روزانه حداقل یکهزار نفر از سرحد نیمروز اخراج اجباری می شوند. وضعیت مهاجرین به اجبار اخراج شده در سال های اخیر بسیار وخیم است. بسیاری از مهاجرین بازگردانده شده به مواد مخدر روی آورده اند. فعلا منابع آب عامل ناامنی و تخاصم است. مدیریت درست منابع آب می تواند باعث بهبود همکاری دو طرف شود.

- اشتراک کننده از ایران: سوال از آقای محمدی: شبکه های قاچاق شبکه های فراملیتی اند. قاچاقبران با یکدیگر در ورای مرزها با هم در ارتباط اند. آیا شما آنرا مورد مطالعه قرار داده اید؟ در مورد هزینه های سفر در مسیرهای مختلف در دوره های مختلف نوسانات وجود دارد. این نوسانات قیمت های سفر قاچاقی چگونه است؟
- اشتراک کننده از افغانستان: در افغانستان ما رشته های محدودی را در آموزش عالی داریم. این درحالی است که ارائه آموزش عالی در ایران برای مهاجرین افغان هم محدود است. در این مورد باید فکری شود.
- اشتراک کننده از افغانستان: جامعه دانشگاهی ایران همواره در مورد مشکلات مهاجرت بحث دارد و بیشتر بر جنبه های منفی حضور مهاجرین در ایران تمرکز می کند. این درحالی است که مهاجرین در ایران کارهای بسیار مهم انجام داده و میدهند. خانم تیشه یار از هزینه تحصیلی دانشجویان مهاجر یادآوری کرد که بر دولت ایران تحمیل می شود. اما فراموش نکنید که درصد بالایی از تولیدات داخلی ایران مربوط می شود به نیروی کار افغانی. جامعه دانشگاهی باید این نکات را برجسته سازد. این می تواند به ادغام اجتماعی مهاجرین افغان در ایران کمک نماید.

آقای محمدی در پاسخ به سوالات مطرح شده تذکر داد که "در بحث قاچاق مهاجرین شبکه های فرامرزی نقش بسیار مهم دارند که مد نظر ما قرار داشته است. در مورد نوسان قیمت ها عوامل مختلف در این زمینه نقش دارند که در مورد نیاز به بررسی بیشتر وجود دارد. در ایران متأسفانه حوزه مهاجرین یک حوزه امنیتی محسوب می شود و کار تحقیقی در مورد آن با موانع روبروست.

آقای طباطبائی در توضیح سخنان خود گفت که "توانمندسازی مهاجرین در عرضه آموزش عالی باید از نسل دوم و سوم شروع شود. من پیشنهاد می کنم که در این چارچوب پروژه های تحقیقاتی صورت گیرد تا مشکلات را شناسایی کرده و کاهش دهیم."

آقای چگنی در جمع بندی بحث تاکید نمود که این سوال مهم است که ما چگونه می توانیم مهاجرت را وارد عرصه سیاست در ایران سازیم. ما باید مهاجرت را تبدیل کنیم به موضوعی در اجندای سیاسی و گفتمان نخبگان ایران و افغانستان. نخبگان در هر دو کشور به شدت ضد قدرت اند و اساسا فکر می کنند که باید ضد سیاست باشند تا راحت بخوابند. سوال این است که ما چگونه می توانیم با قدرت گفتگو کنیم. ما چگونه میتوانیم موضوعات مهم را در برنامه جامعه مدنی قرار دهیم و قدرت را وادار کنیم به آن رسیدگی کنیم. ما باید برنامه جامعه مدنی را بازسازی کنیم تا با نهادهای قدرت- به شمول نهادهای امنیتی آن، گفتگو کند و به تحرک درآید.





گرداننده: بانو سمیرا صمیم، فعال مدنی

#### سخنرانان:

- دکتر محمد امیر پناهی، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- دکتر فرامرز تمنا، رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان
- دکتر آرمین امیر، استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- آقای فریدون سکندر، رییس واحد انسجام و هماهنگی امور مهاجرین ریاست اجراییه ج.ا. افغانستان

خانم صمیم با اشاره به بحث‌های انجام شده در نشست‌های کاری قبلی، ابراز امیدواری که فرصت‌های مهیا شده برای نسل جدید شاید بتواند آینده مهاجرت را بهتر سازد. با این حال او نسبت به مشکلات سیاسی، امنیتی و اداری موجود هشدار داد. ایشان از تجربه خود به عنوان مهاجری از نسل دوم در ایران سخن گفت. او تذکر داد که ایران را خانه دوم خود می‌دانسته است. اما یادآوری نمود با آنکه زبان مادری اش فارسی است، مجبور شده است در ابتدای ورود به دانشگاه تهران، درس زبان فارسی را - که برای دانشجویان غیر ایرانی در نظر گرفته می‌شود، از سر بگذراند.

سخنران اول نشست کاری چهارم، دکتر امیر پناهی با عنوان "مواجهه مهاجرین افغانستانی در ایران با زندگی روزمره" به سخنرانی پرداخت. به گفته ایشان اکثر تحقیقات انجام شده به مسایل ساختاری، سیاست‌های دولت و بحث‌های از بالا به پایین اختصاص یافته که مهاجرین را در حالت انفعالی بررسی می‌کند. این درحالی است که مردم عادی کوچه و بازار کمتر مورد توجه قرار نگرفته‌اند. او برای توصیف زندگی مهاجرین افغان در ایران از تعبیر "پیشروی آرام"<sup>۳</sup> استفاده کرد که حکایت از فعال بودن مردم عادی در تجربه زندگی روزمره دارد. " آنها افراد منفعل نیستند که ساختارهای رسمی هر طور که دلشان بخواهد با ایشان رفتار کنند. رویکرد ما بر این تاکید دارد که در زندگی روزمره ما با جریان‌های زندگی مواجه هستیم. با کنشگری کسانی مواجه هستیم که بسیاری از

۳ آقای امیر پناهی تذکر داد که نظریه "پیشروی آرام" را از کتاب "سیاست‌های خیابانی جنبش تهیدستان در ایران" نوشته آصف بیات، اقتباس کرده است.

تحقیقات آنها را نادیده می گیرند. رویکرد پیشروی آرام بر این نکته تاکید می کند که اتفاقاً مهاجرین در مواجهه با ساختارهای رسمی شیوه زیست مجزا برای خود دارند که آنها را هویت می دهد. مهاجرین با همین شیوه زیست مجزاست که امروزه ادعای احقاق حق دارند. اگر آنها در چنبره سیاست ها گرفتار می بودند، نمی توانستند امروزه در پی احقاق حقوق خود باشند. لازم است مطالعات مربوط به مهاجرت این مسئله را در نظر بگیرد. پیشروی آرام رویکردی است که حرکت آرام کسانی را گوشزد می کند که به نوعی استفاده از فرصت های ساختاری برایشان مهیا نیست و فاقد قدرت هستند. پیشروی آرام در واقع یک نوع سیاست جبران است. سیاست اعتراض نیست. از این منظر حرکت این گروه از مردم یک حرکت اخلاقی است و بسیاری از مردم آنرا می پذیرند. بر این مبنا سوال اصلی من این است که مهاجرین در مواجهه با محدودیت های ساختاری در کشور میزبان چگونه زندگی می کنند. قلمروهای ایشان برای پیشروی آرام شامل یافتن شغل، تامین مسکن، مواجهه در بازار خرید و فروش، آموزش و مسایل مانند آن می شود. محدودیت های ساختاری که مهاجرین با آن مواجه می شوند عبارت اند از:

- تنگناهای شغلی؛
- برآمدن اقتصاد نئولیبرال: این اقتصاد نئولیبرال تنها مهاجرین را زیر فشار قرار نداده بلکه ایرانی ها هم با آن دست و پنجه نرم می کنند.
- نگاه هژمونیک از بالا به پایین؛ همچون نگاه از بالا به پایین در کلیت جامعه می تواند برای مهاجرین موقعیت فرودست و نامطمئن ایجاد کند.
- سرمایه اجتماعی و فرهنگی مهاجرین؛ مهاجرین شبکه های اجتماعی قوی دارند که می توانند از آن استفاده کنند. اما بسیاری از مهاجرین از سرمایه فرهنگی پایین برخوردارند که مواجهه آنها را زیر تاثیر قرار می دهد.
- ناتوانی در ادغام در ساختارهای بیوکراتیک؛ مهاجرین به خودمانی کردن یا غیررسمی سازی شیوه تامین معاش.

ایشان در ادامه مصادیقی از پیشروی آرام مهاجرین در جامعه ایران را بر شمرد: "اکثر مهاجرین در کلان شهرها و در حاشیه شهرها زندگی می کنند که امکان تصاحب فرصت های شغلی را برایشان فراهم می کند. آنها بر مبنای فعالیت در برخی مشاغل خاص که در اختیارشان هست، هویت خاص پیدا می کنند. زندگی در کلان شهر آنها را در موقعیتی قرار میدهد که کمتر در معرض دید باشند و بتوانند استراتژی غیر رسمی سازی را دنبال کنند. مهاجرین به مسکن نسبتاً ارزان در حاشیه شهرها دسترسی دارند. آنها در حوزه آموزش پیشروی دارند و از مدارس خودگردان بخصوص استفاده می کنند. آنها با شیوه های غیر رسمی در بازار هم پیشروی می کنند. مهاجرین در قالب شبکه های خویشاوندی، دوستی و همکاری بی نیاز از دولت زندگی را خودمانی سازی کرده اند و بنا بر همین است که امروزه آنها مطالبه زندگی بهتر دارند." دکتر امیر پناهی در جمع بندی صحبت هایش پیشنهادات خود را ارائه داد. "سیاست پیشروی آرام این نکته را به ما گوشزد می کند که چهار دهه واقعیت زندگی مهاجرین افغانستانی در ایران، آرام، بی سرو صدا و بدون اقدامات تحریک آمیز، آنها را تبدیل کرده به بخش مهم و جدایی ناپذیر از جامعه ایرانی. بنا براین هر نوع سیاستی باید با در نظر این تجربه زیسته باشد. سیاست پیشروی آرام به معنای تمایل به ماندن هم هست. مهاجرین کسانی هستند که در جامعه سازگاری پیدا کرده و احساس تعلق می کنند. نهایتاً ما باید مواجهه مهاجرین را در کل جامعه ایران در نظر بگیریم؛ همانطور که ما ترک و کرد ایرانی داریم، شاید ما باید یک روز بپذیریم که افغانستانی ایرانی هم داریم."

سخنرانی دوم این نشست کاری را دکتر تمنا تحت عنوان "امنیت هویت و مهاجرت" انجام داد. او در آغاز سخنرانی اش تذکر داد که مسئله مهاجرت در سطوح کلان، میانی و خرد قابل بررسی است، اما او در سطح تحلیل خرد به مسئله می پردازد که به در حوزه روانشناسی سیاسی ارتباط می گیرد. "به نظر من دلیل اصلی مهاجرت ها بحث حفظ امنیت هویت است. پیوند انسان و هویت از

هویت خواهی شروع می شود و به اعمال هویت ختم می شود. ما در طول تاریخ ما شاهد بیماری و مرگ هویت ها بوده ایم. هویت ها در سیر تحول انسان هم متحول شده است." ایشان برای تحلیل موضوع بحث خود به تفکیک چند نوع هویت پرداخت:

- ۱- هویت اقتصادی: هویت اقتصادی وقتی تهدید می شود که توزیع ناعادلانه ثروت در یک جامعه صورت گیرد.
- ۲- هویت فرهنگی: هویت فرهنگی زمانی تهدید می شود که در یک جامعه ما با فقدان تکثر گرایی فرهنگی مواجه باشیم.
- ۳- هویت ایدئولوژیک: هویت ایدئولوژیک وقتی تهدید می شود که ما در یک جامعه با فقدان نگاه های چند قرائتی از دین و مذهب و ایدئولوژی روبرو باشیم.
- ۴- هویت سیاسی: هویت سیاسی وقتی تهدید می شود که توزیع ناعادلانه قدرت در یک جامعه بوجود بیاید.
- ۵- هویت شغلی: هویت شغلی با توزیع ناعادلانه شغل مناسب مورد تهدید واقع می شود.
- ۶- هویت شخصیتی- مدنی: هویت شخصیتی- مدنی از توزیع ناعادلانه دانایی تهدید می شود.
- ۷- هویت جنسیتی: هویت جنسیتی از توزیع ناعادلانه امکانات بر اساس جنسیت تهدید می شود.
- ۸- هویت قومی: هویت قومی را عدم تکثرگرایی قومی و تقسیم اقوام به اقلیت و اکثریت تهدید می کند.

به باور من اگر هر کدام از این انواع و گونه های هویت با تهدید روبرو شوند، مهاجرت آغاز می شود. مهاجرین به کشورهایی می روند که با آنها بیشترین قرابت هویتی دارند. بی دلیل نیست که شیعیان بیشتر به ایران می روند؛ به دلیل اینکه امنیت ایدئولوژیک شان در آنجا تامین می شود. هویت ماحصل بیم و خطر است. وقتی هویت انسان با خطر مواجه شود، چهار رویکرد در مقابل او قرار دارد:

- ۱- تعامل با وضع موجود یا تحمل وضع موجود؛
- ۲- شورش علیه نظم موجود؛
- ۳- شورش علیه خود؛ ممکن است خودکشی، اعتیاد یا ... باشد.
- ۴- مهاجرت؛ مهاجرت منفعلانه ترین پاسخ انسان در برابر تهدید هویتی است.

برای مبارزه با مهاجرت، منابع تهدید کننده هویت انسان باید از بین برده شوند. متأسفانه افغان ها علاقمند به زندگی بیرون از کشور هستند. اما فرار راه حل نیست. پیشنهادات من عبارت اند از:

- تلاش کنیم مهاجرین با گسست هویتی مواجه نشوند.

اجازه داده شود افغان هایی که در ایران در مدارس خودگردان درس می خوانند، تاریخ و جغرافیا و فرهنگ افغانستان را یاد بگیرند. بازگشت آنها به افغانستان نباید به گسست هویتی بیانجامد.

- رسانه ها می توانند در تامین امنیت هویت مهاجرین نقش مهمی داشته باشند؛ خوب است که مهاجرین افغان در ایران بتوانند تلویزیونی از خود داشته باشند.

هر دو دولت باید تلاش کنند تا امنیت هویتی مهاجرین مورد حمله قرار نگیرد.

سخنرانی سوم این نشست کاری را دکتر امیر انجام داد. او در آغاز سخنرانی اش تذکر داد که هر پیشنهاد و تغییری ممکن است به نفع یکی و به ضرر دیگری تمام شود، بنا براین راه حل ها باید بنا بر مصحلت در راستای بهبود وضعیت مهاجرین در ایران جستجو شوند.

- ۱- افغان ها می خواهند همچنان مهاجرت کنند؛ در پژوهشی که در مورد مردم هزاره انجام شده است، به بخشی از آئین بزرگسالی و مردانگی تبدیل شده است. آنها مهاجرت می کنند که این آئین گذار را طی کنند.
- ۲- مهاجرین نمی خواهند به کشورشان برگردند؛ چونکه مسایل کشور مبدا همچنان حل نشده باقی مانده است. دوم اینکه آنها جای دیگری اجتماعی شده اند. البته شما ممکن است در ایران زندگی کنید و برای اروپا اجتماعی شوید. در این رابطه قابل تذکر است که زنان پیشگامان ادغام اجتماعی هستند؛ بنا براین یک نقطه نفوذ زنان هستند.
- ۳- مهاجرین برای ایران پنجره فرصت هستند؛ چه از نظر دغدغه نیروی کار یا به لحاظ جمعیتی، به نفع ماست که برای بهبود زندگی مهاجرین افغانستان در ایران تلاش کنیم. مسایل ناشی از در حاشیه ماندن اقشار جمعیتی در ایران هم نیاز به توجه دارد.
- ۴- مهاجرین به سمت مهاجرت به اروپا سوق پیدا کرده اند؛ ایران نباید فرصت ها و ظرفیت های استفاده از مهاجرین را از دست بدهد. ایران باید برای مهاجرین جذابیت پیدا کند.

تفکر توسعه ای از آن نوعی که در ایران حاکم است نه به نفع ایران و نه به نفع افغانستان است. این تفکر توسعه ای در جنبه اقتصادی اش متکی به بازار آزاد است. درست است که ما باید یاد بگیریم که با دولت کار کنیم اما دولت با التماس کار نمی کند. ما در جامعه مدنی به دولت می گوئیم که موازنه باید به نفع فقرا تغییر پیدا کند، ولی تغییر پیدا نمی کند. ولی باید تعامل با دولت باشد و این سختی دو طرفه باید تحمل شود. افغانستان هم باید سهم خود را برای بهبود زندگی مهاجرین ادا کند. متأسفانه جریان مهاجرت به نفع ایران نبوده است. زیرا الگوی توسعه ما توسعه اروپایی- امریکایی بوده است. الگوی توسعه ای که تمدن ایرانی- منطقه ای را در نظر داشته باشد، به نفع ماست.

سخنران اخیر این نشست کاری، آقای سکندر در مورد آخرین تحولات در مورد رسیدگی دولت افغانستان به مشکلات عودت کننده ها و بی جا شده ها معلومات داد. او تذکر داد که پس از تشکل حکومت وحدت ملی، سه چارچوب کاری برای رسیدگی به مشکلات عودت کننده ها و بی جا شده ها ایجاد شده است: (۱) کمیته فرعی شورای وزیران در امور مهاجرین زیر نظر دکتر عبدالله. (۲) کمیسیون عالی مهاجرت، عودت و بی جا شده گی تحت نظر رئیس جمهور غنی و (۳) کمیته اجرایی رسیدگی به امور مهاجرین و بی جا شده گی در ریاست اجرائیه، وزارت امور مهاجرین و معاونیت نماینده گی سازمان ملل متحد در افغانستان روسای مشترک در این کمیته هستند. ایجاد هماهنگی میان وزارت خانه، تامین حمایت سیاسی و نظارت از تطبیق پلان عملیاتی از وظایف عمده این کمیته می باشد. او برخی از دستاوردهای کمیته مذکور را برشمرد.

- ۱- طرح و ترتیب یک پالیسی ملی که مطابق آن دولت کارهایش را در رسیدگی به امور مهاجرین پیش می برد. برنامه عملی آن با هشت هدف به شمول ثبت و راجستر تمام عودت کننده گان، رساندن کمک های انسانی عاجل و آنی در مرزها، تسهیل دسترسی به خدمات اساسی برای بی جا شده گان و عودت کننده گان، بهبود دسترسی به مسکن، فرصت های معیشتی و اشتغال برای مهاجرین و بی جا شده گان و نظارت از چگونگی عملی سازی اهداف تعیین شده، فعلا طراحی شده و در دسترس اجرا می باشد.

- ۲- تهیه و ترتیب یک استراتژی مالی که پاسخگوی تمام مصارف مورد نیاز برای رسیده گی به امور مهاجرین خواهد بود.
- ۳- پیش بینی می شود که ۴۳۹ میلیون دالر برای عملی ساختن برنامه عملی پالیسی ملی ضرور است. ۱۶۸ میلیون دالر فعلا از مجرای کمک های دوستان بین المللی افغانستان در بودجه دولت موجود است. دولت برای تامین بقیه بودجه لازم به با دوستان بین المللی خود ملاقات و گفتگو خواهد داشت.
- ۴- ما برای تمام نهادهای ملی و بین المللی تعهدات لازم را در بالاترین سطح سیاسی سپرده ایم.

او سپس درباره مشکلات موجود در راه عودت مهاجرین افغانی از ایران معلومات ارائه داده و گفت در مرز اسلام قلعه برای عودت مهاجرین از ایران موانع و مشکلات جدی وجود دارد. به گفته ایشان این مرز برای عودت مهاجرین شرایط مناسب ندارد، درحالی که تنها مرز امن و مناسب برای مهاجرین می باشد و به منظور های گوناگون به شمول استفاده های تجاری مورد استفاده قرار دارد. این مشکل باید توسط دولت های ایران و افغانستان حل گردد.

نشست کاری چهارم با بحث آزاد اشتراک کننده گان پیگیری شد.

- اشتراک کننده از ایران: اگر رسانه های ایران، از افغانستان اخبار و گزارش هایی غیر از جنگ داشته باشند، در تصویر سازی مثبت تاثیر بسیار مهمی دارد.
- مهاجرین بازگشت کننده پس از بازگشت به کشورشان، به غیر از کابل بیشتر به کدام مناطق مراجعه می کنند؟
- اشتراک کننده از افغانستان: آیا بحران هویت در کشورهای دیگر که مهاجرین به آنجا می روند، یک تهدید نیست؟
- اشتراک کننده از افغانستان: اگر تصور کنیم مهاجرت یک آغاز و یک پایان دارد، واقعیت را نادیده گرفته ایم. آقای دکتر تمنا از مهاجرت به عنوان منفعلانه ترین واکنش به تهدید هویتی یاد کردند. اما به نظر من مهاجرت می تواند یک استراتژی فعال باشد. مهاجرت یک سبک زندگی است. شاید بهتر باشد نگاه دقیق تر به مهاجرت داشته باشیم.
- اشتراک کننده از ایران: در مورد تهدید هویتی، به نظر می رسد گاهی افراد خود برای خودشان هویت سازی می کنند یا هویت خود را ترک می کنند. انسان امروزی یک انسان تک هویتی نیست و می تواند هر روز برای خود هویت بسازد.
- اشتراک کننده از افغانستان: اگر ما نقش رفت و آمدهای مهاجرین را به کشورشان مد نظر قرار دهیم، مفید خواهد بود. از سوی دیگر برای جلوگیری از مهاجرت رسانه ها و جامعه مدنی باید نقش خود را خوب بازی کنند. نقش خانواده ها در افزایش و کاهش مهاجرت نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

آقای سکندر در توضیح صحبت هایش در مورد مهاجرین عودت کننده از ایران به افغانستان برخی معلومات آماری ارائه داد و گفت که هر گونه ارقام و آمار را می تواند در اختیار علاقمندان بگذارد. او تذکر داد که در سال ۲۰۱۶، ننگرهار، قندز، بادغیس و فاریاب بیشترین بی جای شده گان را داشته اند و دلیل اصلی بی جای شده گی جنگ و ناامنی بوده است.

دکتر تمنا در پاسخ به سوالات گفت " من نگرانم که روابط ایران و افغانستان در چارچوب روابط ایران- امریکا محدود گردد. به همین خاطر رسانه های ایران تلاش می کنند وضعیت امنیتی افغانستان را دگرگون نشان دهند و پیشرفت های افغانستان را نشان ندهند. اما بازتاب این پوشش رسانه ای بر بازگشت مهاجرین تاثیر منفی دارد. آنها گمان می کنند که افغانستان جای مناسب برای زندگی نیست. در رابطه با تهدید هویت ها، مهاجرین گاهی در مهاجرت به یک کشور جنبه ای از هویت خود را بر دیگر جنبه های هویتی خود ترجیح می دهند، چون می توانند امنیت آنها را تامین نمایند. به نظر من - حداقل در بستر افغانستان، مهاجرت مردم افغانستان

به خارج از کشور، منفعلانه ترین کنش بوده است، زیرا آگاهانه نبوده است. آیا میزان نخبه گان افغان در ایران به اندازه میزان نخبه گان هندی در امریکا می باشد؟ نخیر. کنش استراتژیک مهاجرت ایرانی ها به امریکاست. مهاجرت جاپانی ها به روسیه مهاجرت استراتژیک است. من ندیده ام که از طریق مهاجرت مدنی وارد افغانستان شود.

### **جمع بندی: سخنرانی پایانی رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان**

دکتر مرادیان در جمع صحت ها برخی نکات مهم را تذکر داد:

- ۱- جهان اسلام با بحران های عمیق روبروست؛ روایت افراطگرایی گفتمان غالب در جهان اسلام شده است و ما نتوانسته ایم که گفتمان رقیب و بهتر تولید کنیم. مسلمانان روز به روز در این دام سقوط می کنند. دو کشور ایران و افغانستان تنها کشورهایی هستند که می توانند در این زمینه ابتکاراتی انجام دهند. هر دو کشور اسلام سیاسی را تجربه کرده اند و خوشبختانه دو کشور به این ظرفیت رسیده اند که می توانند گفتمان سازی کنند. هم اکنون در تاجیکستان روایت مسلط، روایت سلفی گرایی شده است. خوشبختانه در افغانستان بساط تکفیر جمع شده است و زمینه برای گفتمان های تازه به وجود آمده است. ما وارثین ایران تاریخی هستیم.
- ۲- بی اعتمادی عمومی بین نخبگان افغان به جانب ایران وجود داریم. یک راه این است که آنرا انکار کنیم و راه دیگر این است که ما آنرا به عنوان یک واقعیت در نظر گرفته و برای آن چاره بیاندیشیم. خوشبختانه بی اعتمادی هنوز ریشه نگرفته است و با گفتگو می توانیم آنرا از بین ببریم.
- ۳- پیشگامان بهبود وضعیت نخبگان می باشند. دولت های هر دو کشور دولت های امنیتی هستند. بنا براین خوب خواهد بود که نخبه گان و روشنفکران بتوانند ابتکار عمل را به دست گیرند.

## ضمایم

### ضمیمه ۱ برنامه کاری:

چهارشنبه، ۸ قوس / آذر							
جلسه افتتاحیه							
۹:۳۰ الی ۹:۰۰	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مناجات حضرت مولانا</li> <li>• سرود ملی ج.ا. افغانستان</li> <li>• سرود ملی ج.ا. ایران</li> <li>• خوشامدگویی رییس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان</li> <li>• سخنرانی دکتر دین پرست، رییس پژوهشکده فرهنگ پژوهی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>• سخنرانی دکتر سید رسول موسوی مشاور وزیر امور خارجه ج.ا.ایران</li> </ul>						
جلسه اول: رابطه ایران و افغانستان: از همزبانی تا همدلی							
۹:۳۰ الی ۱۱:۰۰	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%; text-align: center;">گرداننده</td> <td style="width: 50%;">دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center; vertical-align: middle;">سخنرانان</td> <td> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۲. دکتر سید عسکر موسوی، نویسنده/ استاد دانشگاه آکسفورد/ کابل</li> <li>۳. دکتر رز فضلی، استاد مهمان در دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. دکتر سردار محمد رحیمی، استاد دانشگاه / معین وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان</li> </ol> </td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">بحث آزاد</td> <td></td> </tr> </table>	گرداننده	دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۲. دکتر سید عسکر موسوی، نویسنده/ استاد دانشگاه آکسفورد/ کابل</li> <li>۳. دکتر رز فضلی، استاد مهمان در دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. دکتر سردار محمد رحیمی، استاد دانشگاه / معین وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان</li> </ol>	بحث آزاد	
گرداننده	دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، ایران						
سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۲. دکتر سید عسکر موسوی، نویسنده/ استاد دانشگاه آکسفورد/ کابل</li> <li>۳. دکتر رز فضلی، استاد مهمان در دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. دکتر سردار محمد رحیمی، استاد دانشگاه / معین وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان</li> </ol>						
بحث آزاد							
۱۱:۳۰ الی ۱۱:۰۰	صرف چای						
جلسه دوم: افغان‌ها؛ دیدگاه‌ها							
۱۱:۳۰ الی ۱۳:۰۰	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%; text-align: center;">گرداننده</td> <td style="width: 50%;">فریدون آژند، دبیر سیاسی روزنامه‌ی هشت صبح</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center; vertical-align: middle;">سخنرانان</td> <td> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر رسول صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران/ معاون پژوهش و فناوری موسسه مطالعات جمعیتی ایران</li> <li>۲. دکتر بلقیس علوی جعفری، پژوهشگر، دانشگاه کابل</li> <li>۳. آقای عبدالحسین طباطبائی نسب، پژوهشگر و کارشناس مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. دکتر علیرضا محسنی، رئیس، دانشگاه کاتب</li> </ol> </td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">بحث آزاد</td> <td></td> </tr> </table>	گرداننده	فریدون آژند، دبیر سیاسی روزنامه‌ی هشت صبح	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر رسول صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران/ معاون پژوهش و فناوری موسسه مطالعات جمعیتی ایران</li> <li>۲. دکتر بلقیس علوی جعفری، پژوهشگر، دانشگاه کابل</li> <li>۳. آقای عبدالحسین طباطبائی نسب، پژوهشگر و کارشناس مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. دکتر علیرضا محسنی، رئیس، دانشگاه کاتب</li> </ol>	بحث آزاد	
گرداننده	فریدون آژند، دبیر سیاسی روزنامه‌ی هشت صبح						
سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر رسول صادقی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران/ معاون پژوهش و فناوری موسسه مطالعات جمعیتی ایران</li> <li>۲. دکتر بلقیس علوی جعفری، پژوهشگر، دانشگاه کابل</li> <li>۳. آقای عبدالحسین طباطبائی نسب، پژوهشگر و کارشناس مدیریت همکاری‌های علمی بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. دکتر علیرضا محسنی، رئیس، دانشگاه کاتب</li> </ol>						
بحث آزاد							
۱۳:۰۰ الی ۱۴:۰۰	صرف نان چاشت						
جلسه سوم: مهاجرت تراژدی انسانی؛ فرصت‌ها							
۱۴:۰۰ الی ۱۵:۳۰	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%; text-align: center;">گرداننده</td> <td style="width: 50%;">دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center; vertical-align: middle;">سخنرانان</td> <td> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر مهری رضایی، پژوهشگر / استاد دانشگاه کاتب</li> <li>۲. دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیات علمی و مدیر همکاری‌های علمی بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۳. آقای عبدالله محمدی، کارمند بخش مهاجرت، شورای پناهندگان دانمارک</li> <li>۴. دکتر سید حبیب‌الله طباطبائیان، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی</li> </ol> </td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">بحث آزاد / صرف چای</td> <td></td> </tr> </table>	گرداننده	دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر مهری رضایی، پژوهشگر / استاد دانشگاه کاتب</li> <li>۲. دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیات علمی و مدیر همکاری‌های علمی بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۳. آقای عبدالله محمدی، کارمند بخش مهاجرت، شورای پناهندگان دانمارک</li> <li>۴. دکتر سید حبیب‌الله طباطبائیان، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی</li> </ol>	بحث آزاد / صرف چای	
گرداننده	دکتر غلامعلی چگنی زاده، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی						
سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر مهری رضایی، پژوهشگر / استاد دانشگاه کاتب</li> <li>۲. دکتر ماندانا تیشه یار، عضو هیات علمی و مدیر همکاری‌های علمی بین‌المللی، دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۳. آقای عبدالله محمدی، کارمند بخش مهاجرت، شورای پناهندگان دانمارک</li> <li>۴. دکتر سید حبیب‌الله طباطبائیان، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی</li> </ol>						
بحث آزاد / صرف چای							
جلسه چهارم: چالش‌ها؛ نگاهی به آینده							
۱۵:۳۰ الی ۱۷:۰۰	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%; text-align: center;">گرداننده</td> <td style="width: 50%;">بانو سمیرا صمیم، فعال مدنی</td> </tr> <tr> <td style="text-align: center; vertical-align: middle;">سخنرانان</td> <td> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر محمد امیر پناهی، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۲. دکتر فرامرز تمنا، رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان</li> <li>۳. دکتر آرمین امیر، استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. آقای فریدون سکندر، رییس واحد انسجام و هماهنگی امور مهاجرین ریاست اجراییه ج.ا. افغانستان</li> </ol> </td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">بحث آزاد</td> <td></td> </tr> </table>	گرداننده	بانو سمیرا صمیم، فعال مدنی	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر محمد امیر پناهی، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۲. دکتر فرامرز تمنا، رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان</li> <li>۳. دکتر آرمین امیر، استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. آقای فریدون سکندر، رییس واحد انسجام و هماهنگی امور مهاجرین ریاست اجراییه ج.ا. افغانستان</li> </ol>	بحث آزاد	
گرداننده	بانو سمیرا صمیم، فعال مدنی						
سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. دکتر محمد امیر پناهی، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۲. دکتر فرامرز تمنا، رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان</li> <li>۳. دکتر آرمین امیر، استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی</li> <li>۴. آقای فریدون سکندر، رییس واحد انسجام و هماهنگی امور مهاجرین ریاست اجراییه ج.ا. افغانستان</li> </ol>						
بحث آزاد							
جمع‌بندی:							

ضمیمه ۲ لیست شرکت کنندگان:

نام	عنوان	سازمان
<b>جمهوری اسلامی ایران</b>		
بهمن کیارستمی	مستندساز و تدوینگر	دانشگاه علامه طباطبایی
حسین محمدی	رایزن سفارت	سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل
دکتر رز فضلی	استاد مهمان	دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر رسول صادقی	عضو هیات علمی / معاون پژوهش و فناوری	دانشگاه تهران / موسسه مطالعات جمعیتی ایران
دکتر سید رسول موسوی	مشاور وزیر خارجه و رییس پیشین	ستاد افغانستان
دکتر غلامعلی چگنی زاده	عضو هیات علمی	دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر فائز دین پرست	رییس پژوهشکده فرهنگ پژوهی	دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر ماندانا تیشه یار	عضو هیات علمی و مدیر همکاری های علمی بین المللی	دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر آرمین امیر	استاد یار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی	دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر سید حبیب الله طباطبائیان	دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی	از مهاجرت نخبگان تا چرخش نخبگان
دکتر محمد امیر پناهی	استاد یار گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی	دانشگاه علامه طباطبایی
رضا ملکی	رایزن فرهنگی سفارت	سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل
سید سعید حسینی	معاون سفارت	سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل
عبدالحسین طباطبایی نسب	پژوهشگر و کارشناس مدیریت همکاری های علمی بین المللی	دانشگاه علامه طباطبائی
علیرضا محمدی پیشکنار	دبیر دوم سفارت	سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل
مجتبی نوروزی	معاون رایزنی فرهنگی سفارت	سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل
محمد رضا بهرامی	سفیر جمهوری اسلامی ایران	سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل
<b>جمهوری اسلامی افغانستان</b>		
احمد مسعود سرخوردی	آمر معلومات مهاجرین	وزارت امور مهاجرین و عودت کننده گان افغانستان
دکتر بلقیس علوی جعفری	پژوهشگر	دانشگاه کابل
دکتر سردار محمد رحیمی	معین	وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان
دکتر علیرضا محسنی	رئیس / پژوهشگر	دانشگاه کاتب
دکتر فرامرز تمنا	رییس	مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان
دکتر فرنگیس دادفر سپنتا	پژوهشگر	
دکتر محی الدین مهدی	عضو	پارلمان
دکتر مهری رضایی	استاد دانشگاه / پژوهشگر	
راضیه دانش	پژوهشگر	
راضیه رضایی	پژوهشگر	
سمیرا صمیم	فعال مدنی	
سوسن حمیدی	پژوهشگر	
سید جواد شهاب	استاد دانشکده اقتصاد	دانشگاه کابل
سید رحیم رها	فعال مدنی و پژوهشگر مسائل مهاجرت	
سید عباد هاشمی	فعال مدنی	
سید عسکر موسوی	استاد دانشگاه / نویسنده	
عبدالله محمدی	کارمند بخش مهاجرت	شورای پناهندگان دانمارک
عبدل معین معین	عضو	محور مردم افغانستان
علی رضا موحدی	رئیس تحقیق ومعلومات مهاجرین	وزارت امور مهاجرین و عودت کننده گان افغانستان
فردینا سروش	استاد دانشگاه	
فریدون آژند	دبیر سیاسی	روزنامه هشت صبح
فریدون سکندر	رئیس واحد انسجام و هماهنگی امور مهاجرین	ریاست اجراییه
فضل احمد جويا	استاد دانشکده اقتصاد	دانشگاه کابل



وزارت ترانسپورت جمهوری اسلامی افغانستان	معین اداری و مالی	فوزیه احسانی
	استاد دانشگاه	محبوبه فیاض
پیام نور ایران شعبه کابل	استاد دانشگاه	محمد کیامهر
	پژوهشگر	منا حسینی
روزنامه افغانستان تایمز	سر دبیر	منصور فیضی
	فعال مدنی	نعیم عظیمی
مؤسسه تحصیلات عالی گوهرشاد	رئیس	دکتر محمد جواد صالحی
دانشگاه کاتب	معاون علمی	دکتر علی احمد یوسفی

ضمیمه ۳ بازتاب خبری همایش در رسانه های ملی و بین المللی:

- [بی بی سی](#)
- [روزنامه هشت صبح](#)
- [باشگاه خبرنگاران جوان](#)
- [روزنامه اطلاعات روز](#)
- [آریانا نیوز](#)
- [ایرنا](#)



رونمایی از کتاب «فتوریاحی»، اثر بهمن کیارستمی، کارگردان و مستندساز ایرانی و نمایش فیلم مستند «صفر مرزی»



دیدار هیئت ایرانی از ولایت پنجشیر و آرامگاه قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود



ضیافت نان شب به میزبانی سفارت ج.ا. ایران (محل: هتل سرینا)





\* پايان \*

تماس با ما:

انستيتوت مطالعات استراتژيک افغانستان  
قلعه ۹ برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان  
پست بکس: ۵۲۱۴ پسته خانه مرکزی

[www.aiss.af](http://www.aiss.af)

[contact@aiss.af](mailto:contact@aiss.af)

[www.facebook.com/afghaninstituteforstrategicstudies](http://www.facebook.com/afghaninstituteforstrategicstudies)

Twitter: [twitter.com/AISS\\_Afg](https://twitter.com/AISS_Afg)

Linkedin: [Afghan Institute for Strategic Studies](https://www.linkedin.com/company/afghan-institute-for-strategic-studies)